

نشریه بیست و
هشتمین جشنواره
بین‌المللی تئاتر فجر

شماره هفتم

شاه
ت

۱۳۸۸ بهمن

تئاتر

محمد حیدری، مدیر تئاتر شهر، عضو شورای عالی
انتخاب و مدیر بخش‌های تجربه‌های نو و چشم‌انداز:

اجرای عمومی نمایش‌های
جشنواره در تئاتر شهر
بهترین‌های تئاتر ایران
دراختتامیه
«گل» از «لیر شاه»
سبقت گرفت

گزارشی شبانه از سالن‌های جشنواره



خارجی جشنواره بود. از آن‌جا که برای تماشاگران نمایش «گل» تنها ۶۰ نفر صندلی پیش‌بینی شده بود، تعدادی از آنان امکان ورود به سالن را پیدا نکردند و قرار شد اجرای روز بعد را ببینند.

مجموعه تئاتر شهر
در تالار قشقایی استقبال از نمایش «مردان همیشه به خانه بازمی‌گردند» از مشهد، در هر دو نوبت چشمگیر بود.

تعدادی از تماشاگران ایستاده این اپرا را دیده‌اند، ابراز تأسف کرد.

تالار مولوی
تالار مولوی یکی از منظم‌ترین شب‌های خود را با نمایش «صد راه صدرا» پشت‌سر گذاشت. کارگردان این نمایش که با ساده‌ترین دکور و لباس‌ها اجرا شد، در آغاز هر دو اجرای آن، برای تماشاگران توضیح داد که پول لازم را برای تهیه لباس و دکور در اختیار نداشته است. راست و دروغش را بعد خواهیم گفت!

دکتر ایمانی خوشخو، مهدی شاه‌آبادی، حسین پارسایی، حسین مسافر آستانه، محمد اطیابی، دکتر قهرمانی، سیدصادق موسوی و تعدادی از گروه‌های خارجی از نمایش‌های شب گذشته در تالارهای مختلف نمایش دیدن کردند.

تالار فردوسی
«اپرای مولوی» در سومین اجرای خود میزبان جمع زیادی از هنرمندان کشور، مهمانان خارجی، مدیران جشنواره‌ها و مدیران فرهنگی بود. رضا بابک، داوود میرباقری، اردشیر صالح‌پور، هنرمندان هرمزگان، مدیران جشنواره‌های خارجی، گروه‌های ارمنستان، گرجستان، کانادا و بسیاری دیگر از مهمانان جشنواره شب گذشته به تماشای اجرای اپرای مولوی نشستند.

بهر روز غرب‌پسور در تماس تلفنی با خبرنگار ما با اشاره به استقبال خوبی که از این اپرا در سه روز اول اجرای آن شده، از این‌که به دلیل محدودیت فضای تالار فردوسی،

متأسفانه باخبر شدیم منشی صحنه این نمایش دچار سانحه شده و به بیمارستان انتقال پیدا کرده، برای ایشان آرزوی سلامتی داریم.

تماشاخانه سنگلج
نمایش «ورودیه پنج» که روز گذشته سه نوبت اجرا شد، با استقبال خوب تماشاگران و مهمانان خارجی روبرو بود.

اجرای افزوده شده این نمایش در ساعت ۱۴/۳۰ انجام شد و گروه پس از آن، اجراهای مقرر جشنواره را سپری کرد.

تماشاخانه ایرانشهر
تماشاخانه ایرانشهر شب گذشته در اجرای نمایش‌هایی چون «رویاهای کوچک» و «بابل» میزبان هنرمندانی چون سپیده نظری‌پور، فرزانه کابلی، رضا فیاضی و همچنین اعضای سفارت لهستان در سالن‌های شماره یک و دو بود.

خانه نمایش
خانه نمایش شب گذشته با اجرای نمایش «گل» به کارگردانی ناصر خاسب میزبان جمعی از مهمانان

«گل» از «لیر شاه» سبقت گرفت



دکتر فرانکشتاین



گل

همچنان بالاترین امتیاز را دارد. نتایج به دست آمده از ستاد جمع‌آوری آرای تماشاگران در روز ششم جشنواره به این شرح است:

نمایش «گل» به کارگردانی یاسر خاسب صدرنشین آرای تماشاگران در بخش نمایش‌های ایرانی شد. در بخش نمایش‌های خارجی نیز «دکتر فرانکشتاین»

امتیاز	کارگردان	نمایش‌های ایرانی
۴/۲۸	یاسر خاسب	گل
۴/۲۰	آرش دادگر	لیر شاه
۴/۱۵	نیما دهقان	خنکای ختم خاطره
۳/۵۷	مریم وثوقی	دخترای ننه دریا
۳/۲۸	نسترن آزاد	زبرزمین
امتیاز	کارگردان	نمایش‌های خارجی
۲/۴۶	سالواتوره تراماچره - فابریزو پوگلیز	دکتر فرانکشتاین
۲/۱۸	کار گروهی تئاتر نووگورونتا	فانتومیستری
۲/۱۱	جنت سلیم‌اوا	مشدی عباد
۱/۸۵	اشتفان وایلند	آخرین برسیرمغ
۱/۸	آنا شیشکینا	پازی

بازار سیاه‌بلیت تئاتر چقدر خوب است!

علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده



بازار سیاه از هر شکل و نوعش برای نااهلان، پول و برای دیگران تباهی می‌آورد. اما بعضی وقت‌ها هم در پس خود، خبرهای خوشی دارد مثل همین بازار سیاه و بلیت تقلبی جشنواره! شکل‌گیری و حیات بازار سیاه در هر حوزه‌ای پیامد شرایط خاص آن حوزه است، اما دلایل مشترکی هم میان آن‌ها حاکم است؛ این‌که بازار سیاه حاصل کمبود عرضه یا افزایش پیش‌بینی نشده تقاضا است. دلیل مهم‌تر، نیاز حیاتی خریدار است به محصول موجود در بازار سیاه. کشف بلیت‌های تقلبی جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر باعث شد به بازار سیاه که گاه بستر عرضه محصولات تقلبی است، فکر کنم و در ذهنم، سه شرط ذکر شده را در مورد آن ارزیابی نمایم. تفسیری سرخوشانه شکل گرفت و نتایج جالبی به دست آمد که با وجود باطن منحوس بلیت تقلبی و بازار سیاه، باعث خرسندی است!

اگر کمبود عرضه یا افزایش پیش‌بینی نشده تقاضا را به عنوان دلایل مشترک تمامی بازارهای سیاه بپذیریم و نسبت هر یک را با تئاتر بسنجیم، می‌بینیم به دو خبر خوش تبدیل می‌شوند. امسال ستاد برگزاری جشنواره تئاتر فجر با به‌کارگیری بیشترین ظرفیت سالن‌ها، حضور مخاطبان را با درصدی بیش از سال گذشته پیش‌بینی کرد. ضمن این‌که امسال در اغلب سالن‌ها بلیت‌های توزیع شده با شماره صندلی همراه است و با این روش از ازدحام و بی‌نظمی نیز جلوگیری شده است.

با این توضیح جشنواره در یک پیش‌بینی منطقی دچار کمبود بلیت نمی‌شود، ولی افزایش ناگهانی تقاضا امری است غیرقابل انکار؛ دلیلی که بازار سیاه بلیت جشنواره را گرم و توجیه اقتصادی چاپ بلیت‌های تقلبی را فراهم کرده است. این جاست که اولین خبر خوش شکل می‌گیرد؛ به این مضمون که شمار علاقه‌مندان تئاتر که چندان با زمان‌بندی و روش پیش‌فروش آشنا نیستند، خیلی بیشتر از تعداد پیش‌بینی شده است.

طرف دیگر این معادله، خبر خوش دیگری را رقم می‌زند؛ با این مضمون که پس از آغاز جشنواره، با اجرای نمایش‌ها و سطح مطلوب حرفه‌ای آنها، تقاضای علاقه‌مندان برای نمایش‌هایی که تصور نمی‌کردند قابل توجه باشد، افزایش یافته است. این هر دو خبر خوشحال‌کننده است.

اکنون می‌رویم سراغ دلیل مهم‌تر که خبر از احساس نیاز حیاتی به تئاتر در میان مشتریان بازار سیاه دارد. «نیاز حیاتی به تئاتر!» برای دلسوختگان تئاتر اصلا مثل خواب و رؤیاست. این‌که می‌بینی تماشاگرانی هستند که حاضرند سه تا چهار برابر قیمت رسمی پول بابت تماشای یک نمایش بدهند و آن قدر هم ذوق‌زده‌اند که تفاوت‌های آشکار بلیت تقلبی و اصلی را متوجه نمی‌شوند. معنی دیگر بروز این دلیل آن است که می‌توان برای سال آینده با حفظ کیفیت نمایش‌ها و نحوه برگزاری جشنواره، نوبت اجراها را اضافه کرد. شاید همه این حرف‌ها آرزوی‌های من باشد که مانند بسیاری دیگر دوست دارم مردم برای تئاتر جایگاهی حیاتی قائل باشند و به اندازه کافی برایش پول خرج کنند.

می‌ماند حساب جشنواره و فرصت‌طلبان و سودجویانی که از راه نرسیده، می‌زنند و می‌برند. همچنین شیفتگان شرایط بی‌نظمی و هیاهوی جلوی سالن‌ها که انگار در شرایط برنامه‌ریزی شده و در آرامش، تماشای نمایش‌ها به آن‌ها نمی‌چسبند. برای این موارد هم در آینده جواب‌های سرخوشانه می‌یابیم.

تئاتر

نشریه بیست و هشتمین
جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

مدیرمسئول: حسین پارسایی

سردبیر: علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده

معاون سردبیر: مریم فلاح

دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: عباس عبدالعلی‌زاده

مدیر هنری: علی رستگار

تحریریه: زهرا شایانفر، رضا آشفته، احمد محمداسماعیلی، علی شمس، بهاره برهانی، سید محسن حسن‌زاده، احسان هوشیارگر، محمدحسین لوانسانی، سمیرا محمدی و عسل آذرپور

معرفی آثار: رضا آشفته، سید محسن حسن‌زاده

ویراستار: محمد عبدعلی

برگردان به انگلیسی: منور خلج

برگردان به فارسی: حسین شاکری

صفحه‌آرا: مهدی میرحسینی

عکس: حسن هندی

با همکاری: امیر خلوصی و اکبر ترابی

با همراهی: مسعود پاکدل، محمدرضا سلطانی

عکس روز: رضا معظریان

با همکاری: میلاد پیامی، شکوفه هاشمیان، مهدی حسینی، رؤفیه رستمی، ناصر عرفانیان، مانی لطفی‌زاده، رضا موسوی و احمد نشان

آرشیو عکس: محمد تهرانی

امور انفورماتیک: مهدی عبدالعلی‌زاده

نمونه‌خوانی و تصحیح: ساعد وثوقی با همکاری فریبا ولی‌نژاد، معصومه مهدوی و بهناز ولی‌نژاد

حروف‌نگار: ساناز صالحی، علیرضا حسین‌زاده‌نیاری

ناظر چاپ: محمد علی بهستانی

لیتوگرافی و چاپ: گنجینه هنر

با سپاس از همکاری: جلال تنگی، محمد اطیابی و محمدرسول صادقی
سایت ایران تئاتر: www.theater.ir
سایت بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی فجر: www.fit.ir

بهترین‌های تئاتر ایران در اختتامیه



می‌گیرد. همچنین چند قطعه نمایشی پانومیم توسط علیرضا ناصحی در فواصل برنامه‌ها اجرا می‌شود. اهدای جوایز یکی از مهم‌ترین بخش‌های برنامه اختتامیه است. در ادامه وله‌های تصویری که توسط نیما دهقان و گروهش آماده شده، پخش خواهد شد. به گفته حاجیان، طراحی صحنه مراسم نیز بر عهده احمد نبی‌فر بوده و مدت زمان این برنامه ۹۰ دقیقه پیش‌بینی شده است.

بخش‌های مختلف برنامه امشب گفت: «تمام تلاشمان را کرده‌ایم تا اختتامیه‌ای ساده و در عین حال وزین برگزار کنیم. در این مراسم، جوایز بخش‌های مسابقه عکس، پوستر، نمایش‌های رادیویی، نمایش‌های تلویزیونی و نمایش‌های خیابانی به برندگان اهدا خواهد شد. در عین حال بخش ویژه‌ای از مراسم به بزرگداشت «فتانه دادخواه» و «ابراهیم حقیقی» از پیشکسوتان عکاسی و گرافیک تئاتر اختصاص دارد.»

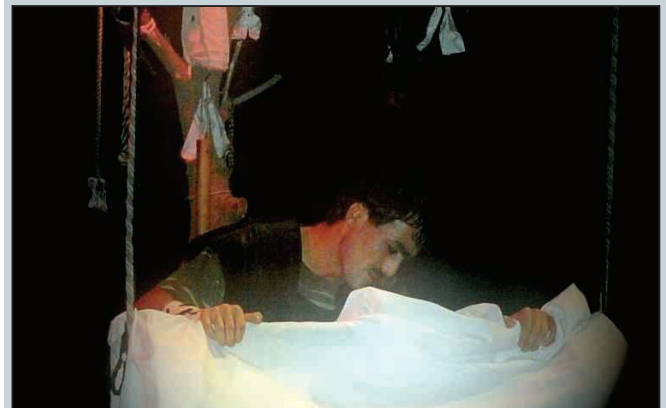
حاجیان در ادامه افزود: «ابتدا مهدی سیافزاده، از قاریان برجسته کشور، با تلاوت آیاتی از کلام... مجید مراسم را آغاز می‌کند و سپس علیرضا غفاری اجرای مراسم را برعهده

مراسم اختتامیه تئاتر ایران و معرفی برترین‌های تئاتر کشور امروز هشتمین بهمن‌ماه به کارگردانی مهدی حاجیان و با حضور جمعی از پیشکسوتان و فعالان هنر تئاتر رأس ساعت ۱۹ در تالار شماره یک تماشاخانه ایرانشهر برگزار می‌شود.

امشب، جمع زیادی از هنرمندان تئاتر در جشن معرفی برترین‌های تئاتر شرکت می‌کنند. گفته می‌شود فرهاد آبی، حمید سمندریان، قطب‌الدین صادقی، پری صابری، حمید جبلی و اکبر زنجانیپور در کنار هنرمندان و مدیران جشنواره در این مراسم حضور خواهند داشت.

مهدی حاجیان در گفت‌وگو با نشریه روزانه جشنواره در توضیح

آخرین اجرای «روز درازتر از شب» با حضور رئیس موسسه فرهنگی اکو



اهدای لوح تقدیر به گروه‌های شرکت‌کننده از کشورهای تاجیکستان و قزاقستان که قرار بود شب گذشته و در قالب ضیافت شام برگزار شود، به دلیل مسافرت مسئولان مؤسسه اکو، به دیدار حضوری هنرمندان و بازدید از نمایش تبدیل شد. در این راستا، اجرای قزاقستان نیز که روز سه‌شنبه انجام شده بود، با حضور سفیر این کشور، کارکنان سفارت قزاقستان و حجت‌الله ایوبی، رئیس مؤسسه فرهنگی اکو همراه شد.

آخرین اجرای نمایش «روز درازتر از شب» از کشور تاجیکستان روز جمعه با حضور رئیس و مسئولان مؤسسه فرهنگی اکو، سفیر و کارکنان سفارت تاجیکستان برگزار می‌شود.

این نمایش در روزهای پنج‌شنبه و جمعه ساعت ۱۸ در تماشاخانه سنگلج اجرا می‌شود و قرار است در اجرای روز جمعه لوح تقدیر و هدایای مؤسسه فرهنگی اکو به هنرمندان تاجیکستانی تقدیم شود. مراسم

«خدا در آلتونا حرف می‌زند» در تماشاخانه ایرانشهر

تماشاخانه ایرانشهر اجرا خواهد شد. «خدا در آلتونا حرف می‌زند» با بازی مسعود دلخواه، محبوبه بیات، سید میثم مطهری، نقی سیف جمالی و آزاد گرجی به روی صحنه خواهد رفت. در این گروه، سید میثم یوسفی به عنوان دستیار کارگردان و حسین پیشکار به عنوان آهنگساز همکاری دارند.

«خدا در آلتونا حرف می‌زند» نوشته محمد ابراهیمیان و به کارگردانی مسعود دلخواه به جای تماشاخانه سنگلج در تالار شماره یک ایرانشهر اجرا می‌شود. این نمایش که قرار بود در آخرین روز جشنواره و در ساعات ۱۸ و ۲۰:۳۰ در تماشاخانه سنگلج روی صحنه برود، در همین ساعات در

تقدیر از همکاران بخش انتشارات و پژوهش

بخش پژوهش و انتشارات بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با چاپ ۱۸ عنوان کتاب تخصصی تئاتر در زمینه‌های نمایشنامه و تحقیق و پژوهش یکی از پرکارترین دوره‌های فعالیت دفتر انتشارات نمایش را رقم زد.

محمدحسین ناصرخت، علی‌رضا لطفعلی، شیدا تجلی، شیرین رضاییان، انوشیروان میرزایی، سعید زین‌العابدینی، جواد تولمی، بهرام شادان‌فر و حمید کاکا سلطانی، آقایان آل خمیس، دوست محمدی، خالدی و احمدی؛ همچنین، نگین صادقی‌پور، پریسا مهجور، مژده صامتی و تلمی صاحبان آثار و نویسندگانی که در این مجموعه نقش داشته‌اند، خسته نباشید!

امروز و فردا با جشنواره

پنج‌شنبه ۸۸/۱۱/۸

مناطق / دهلران ۴۵ دقیقه.
تالار شماره یک تماشاخانه ایرانشهر، «مراسم معرفی بهترین‌های تئاتر ایران»، ساعت (۱۹/۰۰).

تالار شماره دو تماشاخانه ایرانشهر (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «مکاشفه در باب یک میهمانی خاموش»، رضا حداد (تجربه‌های نو) ۷۰ دقیقه.

تالار فردوسی (۱۸:۳۰) «پرای مولوی»، بهروز غریب‌پور (میهمان بین‌الملل) ۱۱۰ دقیقه.

پارکینگ تالار وحدت (۲۰:۳۰) «عطر زمان»، یژری زون (مسابقه بین‌الملل / لهستان) ۶۰ دقیقه.

تالار کنفرانس مجموعه تئاتر شهر (۱۵:۰۰) «آمین»، علی شمس (نمایشنامه‌خوانی) ۷۰ دقیقه.

تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان (۱۸:۰۰) «شام آخر»، ندا هنگامی (رادیو تئاتر) ۶۰ دقیقه.

تالار مولوی، سالن کوچک (۱۰:۰۰ تا ۱۳:۱۵) کارگاه «آموزش فن دلچکی»، مدرس: سایمون ادواردز از انگلستان.

تالار وحدت، طبقه هفتم (۱۰:۰۰ تا ۱۳:۰۰) کارگاه «هنر ویدئو»، مدرس: دنیل کوترو و کونستانز فیشیک از آلمان.

تئاتر شهر، پلاتوی شماره یک (۱۰:۰۰ تا ۱۳:۰۰) کارگاه «تکنیک‌های تئاتری»، مدرس: گروه نمایش دکتر فرانکشتاین از ایتالیا.

خانه هنرمندان، سالن نیلوفر (۹:۰۰ تا ۱۵:۳۰) کارگاه «مدیریت تئاتر»، مدرس: راجر مک‌کن از انگلستان.

تالار وحدت (۱۹:۰۰) «من، یک، هرکسی بخش دوم»، یونگ - هی کیم (مسابقه بین‌الملل / کره جنوبی) ۵۰ دقیقه.

تالار اصلی (۱۹:۰۰) «بازی»، آندره پینیا (مسابقه بین‌الملل / سوئیس) ۶۰ دقیقه.

تالار چهارسو (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «تقریباً هیچ»، لونیز آندره (تئاتر ملل و مسابقه بین‌الملل / برزیل) ۵۰ دقیقه.

تالار قشقایی (۲۰:۰۰ / ۱۷:۰۰) «نظمیه زنان»، اصغر خلیلی (میهمان) ۹۰ دقیقه.

تالار سایه (۲۱:۰۰ / ۱۷:۳۰) «آواز دورترین کرانه مه‌لود زمین»، شهرام گیل‌آبادی (میهمان) ۶۰ دقیقه.

کارگاه نمایش (۱۹:۰۰ / ۱۶:۰۰) «سال کیسه عیسی»، یعقوب صدیق جمالی (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹ / تبریز) ۶۵ دقیقه.

تماشاخانه سنگلج (۱۸:۰۰) «روز درازتر از شب»، سلطان عثمانف (تئاتر ملل / تاجیکستان) ۹۰ دقیقه.

تالار مولوی (۱۹:۳۰ / ۱۷:۰۰) «تنها سگ اولی می‌داند چرا پارس می‌کند مکبث»، ابراهیم پشتکوهی (تجربه‌های نو و مسابقه بین‌الملل / بندرعباس) ۱۰۰ دقیقه.

خانه نمایش اداره تئاتر (۱۸:۳۰) «گل»، یاسر خاسب (میهمان بین‌الملل) ۴۵ دقیقه.

تالار هنر (۱۸:۳۰) «مینون»، آنایشسکینا (میهمان بین‌الملل / روسیه) ۶۰ دقیقه.

تماشاخانه مهر حوزه هنری (۱۷:۰۰) «آینه‌های مکدر»، سعید خیراللهی (برگزیدگان

پرده خوانی انقلاب

تالار وحدت (۱۸:۳۰) محسن میرزاعلی

تالار اصلی (۱۸:۳۰) ابوالفضل ورمزیار

تالار چهارسو (۲۰:۳۰) محسن میرزاعلی

تماشاخانه سنگلج (۱۷:۳۰) سیدبابا حیدری

جمعه ۸۸/۱۱/۹

تماشاخانه مهر حوزه هنری (۱۷:۰۰) «حکایت دختری که خاتون مغربی را دید»، جلال خباز (جشنواره جشنواره‌ها) ۵۰ دقیقه.

تالار شماره یک تماشاخانه ایرانشهر (۲۰:۰۰ / ۱۷:۳۰)، «دست هزار غریب»، مجید واحدی‌زاده (برگزیدگان مناطق / اردبیل) ۸۰ دقیقه.

تالار شماره دو تماشاخانه ایرانشهر (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «باغ مرگ»، سیامک احصایی (میهمان بین‌الملل و تجربه‌های نو) ۷۰ دقیقه.

تالار فردوسی (۱۸:۳۰) «پرای مولوی»، بهروز غریب‌پور (میهمان بین‌الملل) ۱۱۰ دقیقه.

پارکینگ تالار وحدت (۲۰:۳۰) «عطر زمان»، یژری زون (مسابقه بین‌الملل / لهستان) ۶۰ دقیقه.

تالار کنفرانس مجموعه تئاتر شهر (۱۵:۰۰) «این همان کلمه است»، سعید شاپوری (نمایشنامه‌خوانی) ۱۲۰ دقیقه.

تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان (۱۸:۰۰) «شام آخر»، ندا هنگامی (رادیو تئاتر) ۶۰ دقیقه.

تالار وحدت، طبقه هفتم (۱۰:۰۰ تا ۱۳:۰۰) کارگاه «هنر ویدئو»، مدرس: دنیل کوترو و کونستانز فیشیک از آلمان.

خانه هنرمندان، سالن نیلوفر (۹:۰۰ تا ۱۵:۳۰) کارگاه «مدیریت تئاتر»، مدرس: راجر مک‌کن از انگلستان.

تالار وحدت (۱۹:۰۰) «من، یک، هرکسی بخش دوم»، یونگ - هی کیم (مسابقه بین‌الملل / کره جنوبی) ۵۰ دقیقه.

تالار چهارسو (۲۱:۰۰ / ۱۸:۳۰) «سوغ سیاوش»، سیاوش تهمورث (مرور تئاتر تهران در سال ۸۸) ۸۵ دقیقه.

تالار قشقایی (۲۰:۰۰ / ۱۷:۰۰) «شرق اینک»، رضا خدادادیگی (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹ / زاهدان) ۶۰ دقیقه.

تالار سایه (۲۰:۰۰ / ۱۷:۳۰) «رنگ‌ها»، تسولاک ملیک گالیستان (میهمان بین‌الملل / ارمنستان) ۳۵ دقیقه.

کارگاه نمایش (۱۹:۰۰ / ۱۶:۰۰) «افسانه زمینی»، زری طالبی (چشم‌انداز تئاتر ایران در سال ۸۹) ۷۰ دقیقه.

تماشاخانه سنگلج (۱۸:۰۰) «روز درازتر از شب»، سلطان عثمانف (تئاتر ملل / تاجیکستان) ۹۰ دقیقه.

تالار مولوی (۱۹:۳۰ / ۱۷:۰۰) «قتل آقای کاف»، جواد روشن (میهمان) ۹۵ دقیقه.

خانه نمایش اداره تئاتر (۱۸:۳۰) «گل»، یاسر خاسب (میهمان بین‌الملل) ۴۵ دقیقه.

تالار هنر (۱۸:۳۰) «سیندرلا در بن‌بست»، امید نیاز (جشنواره جشنواره‌ها / اصفهان) ۵۵ دقیقه.

پرده خوانی انقلاب

تالار وحدت (۱۸:۳۰) ابوالفضل ورمزیار

تالار چهارسو (۲۰:۳۰) حسن سرچاهی

تماشاخانه سنگلج (۱۷:۳۰) ابوالحسن میرزاعلی

تالار مولوی (۱۹) محسن میرزاعلی

تماشاخانه مهر حوزه هنری (۱۶:۳۰) محمدرضا معجونی

تماشاخانه ایرانشهر (۱۷) سیدبابا حیدری

خانه هنرمندان (۱۹) سید بابا حیدری

ابراهیم حقیقی

هنرمندی با تجربه‌های دیروز و امروز

حمید سمندریان

ابراهیم حقیقی را سال‌هاست که می‌شناسم. از زمان اجرای نمایش «گرگدن» که پوستر کار را برایم طراحی کرد. از همان ابتدا، می‌دانستم که او یکی از قوی‌ترین طراحان خواهد شد. خوشبختانه، در این نظر خود اشتباه نکردم و همین شد.

بی‌شک، او یکی از بهترین طراحان هنر گرافیک ایران است. برخی از آثار او را می‌توان با بهترین آثار طراحان جهان قیاس کرد.

او فقط یک گرافیست نیست، بلکه هنرمندی است که خلاقیتش فقط به گرافیک محدود نمی‌شود. او گونه‌های مختلف هنر را لمس کرده و آموخته و اسنادانه در آثارش تصویر می‌کند. تجربه‌های او در زمینه فیلمسازی، عکس، نقاشی، خط، طراحی صحنه و به ویژه علاقه دیرینه‌اش به تئاتر، کارنامه او را پربارتر و متمایز می‌کند.

او هنرمندی است با تجربه‌های دیروز و امروز و من منتظرم که نسل امروز از او بیاموزند و بهره ببرند. به این ترتیب او از حد و زمان خودش فراتر می‌رود.

او همواره شایسته تقدیر و تجلیل است.



عکس: ابراهیم حقیقی

فتانه دادخواه

بانوی عکاسی تئاتر ایران

سیفا... صمدیان

بدون شک، عنوان غرورانگیز «بانوی عکاسی تئاتر ایران» تنها براننده فتانه دادخواه است؛ عکاسی که با ۲۰ سال حضور مستمر در عرصه تئاتر، نه تنها به تاریخ تصویری تئاتر، بلکه به فرهنگ تصویری جامعه‌ای خدمت کرد که بیشتر ملت «گوش» بوده‌اند تا ملت «چشم». ارزش حضور و تلاش عکاسانه فتانه دادخواه علاوه بر ثبت هنرمندانه نمایش‌های اجراشده در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸، در عملی کردن آرزویی است که تئاتر ایران همیشه در انتظار آن بود؛ یعنی انتشار اولین کتاب عکس تئاتر در فاصله پنج سال بعد از پیروزی انقلاب با بهره‌گیری از عکس‌های او. امروزه، پیشرفت عکاسی تئاتر ایران کاملاً مشهود و غرورانگیز است و در این میان گسترش و رواج عکاسی دیجیتال و نیز ظهور نسل جدید و قدرتمند عکاسان تئاتر غیرقابل انکار است. ولی چشمگیرترین ویژگی عکاسی تئاتر ایران امروز، حضور و جایگاه معتبر و شایسته‌ای است که زنان عکاس به خود اختصاص داده‌اند و بدون تردید، پیشگام این حضور خلاقانه زنان ایرانی در این عرصه، کسی نیست جز فتانه دادخواه.



فتانه دادخواه، در یک قاب

فارغ‌التحصیل دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی و علوم انسانی تهران وی برای اولین بار عکاسی تئاتر را به عنوان یک هنر مستقل عکاسی در ایران مطرح کرد و به مدت ۲۰ سال به عکاسی و ثبت صحنه‌های تئاتر ایران پرداخت. کتاب «عکاسی تئاتر» او اولین کتابی است که در این زمینه در ایران به چاپ رسیده است. این کتاب در سال ۱۳۶۲ توسط مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد.

دادخواه از سال ۱۳۷۹ شروع به سفرهایی در داخل و خارج از ایران برای عکاسی نمود که نتیجه این سفرها، عکس‌هایی است که در نمایشگاه‌های متعددی در آمریکا و ایران به نمایش درآمده است. نشریات مختلفی در ایران و خارج از کشور به معرفی و نقد آثار عکاسی فتانه دادخواه پرداخته و او را به عنوان یکی از هنرمندان عکاسی معاصر ایران معرفی کرده‌اند. در سال ۲۰۰۲، عکس‌های وی در جشنواره تابستانی «لینکلن سنتر نیویورک» در دو بخش متفاوت، با عنوان عکس‌های تعزیه و نیز عکس‌های تئاتر معاصر ایران به نمایش گذاشته شد و مورد تقدیر قرار گرفت.

همچنین در سال ۱۳۸۸ از دادخواه به عنوان اولین بانوی عکاسی تئاتر ایران در جشن انجمن عکاسان تئاتر ایران تجلیل شد.

ابراهیم حقیقی در یک قاب

ابراهیم حقیقی متولد ۱۳۲۸ تهران و دانش‌آموخته رشته معماری از دانشکده هنرهای زیبا است. او فعالیت حرفه‌ای‌اش را به عنوان گرافیست از سال ۱۳۴۷ آغاز کرد.

وی که عضو انجمن بین‌المللی طراحان گرافیک (AGI)، عضو انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران و عضو انجمن فیلمسازان مستند ایران است، از سال ۱۳۵۸ به عنوان مدرس گرافیک در دانشگاه‌های تهران، فارابی، هنر، آزاد و مدرسه عالی تلویزیون و سینما فعالیت داشته است.

حقیقی جوایز متعددی در زمینه‌های عکس، فیلم و طراحی پوستر و جلد کتاب از سال ۴۹ تا به امروز دریافت کرده است. او بیش از ۴۲ نمایشگاه فردی و گروهی برگزار کرده و حضور موثقی در جشنواره‌های پوستر و گرافیک داشته است.

انتشار کتاب «نشانه‌های حقیقی» در سال ۱۳۷۴ و انتشار کتاب «عکاسی»، (نقاشی روی عکس‌های مریم زندی از چهره نقاشان معاصر ایران) در سال ۱۳۸۰ از جمله فعالیت‌های هنری وی بوده است.

ابراهیم حقیقی در سال ۱۳۸۲ نیز دبیر هشتمین دوسالانه پوستر تهران بود. او از قدیمی‌ترین طراحان پوستر تئاتر در ایران به شمار می‌رود.

جایزه مردمی، بر اساس فرمولی با کمترین خطا

«سیمون سیمونیان، مسئول نظرسنجی مردمی»



فرمولی با کمترین ضریب خطا برای جایزه مردمی به کار می‌رود.

سال‌هاست که جریان امتیازدهی تماشاگران، در حوزه سینما به اجرا در آمده و سابقه طولانی دارد. امسال نیز برای اولین بار این اقدام را در تئاتر

پی‌ریزی کردیم. اعتقاد دارم یکی از حسن‌های جایزه مردمی، این است که با وجود کاستی‌های احتمالی، نشان می‌دهد به مخاطب اهمیت داده شده و نظر او ارزش زیادی دارد. شاید توضیح فرآیند دستیابی به اعدادی که هر روز به اطلاع هنرمندان می‌رسد، برای بسیاری از خوانندگان جالب توجه باشد.

با همکاری یکی از متخصصان آمار و صرف چهار ماه وقت، به فرمولی دست پیدا کردیم تا بتوانیم به وسیله آن رأی تماشاگران نسبت به آثار نمایشی را به صورت عدد دریافت کنیم.

در این فرمول، ظرفیت سالن، تعداد مخاطبان نمایش، تعداد کارتهایی که در صندوق ریخته می‌شود و ارزیابی



یکی از حسن‌های جایزه مردمی، این است که با وجود کاستی‌های احتمالی، نشان می‌دهد به مخاطب اهمیت داده شده و نظر او ارزش زیادی دارد

کلی نظر مخاطب در قالب انتخاب یکی از سه گزینه خوب، متوسط و ضعیف، به عنوان پارامتر تعریف شده‌اند. در این معادله، گزینه خوب ضریب پنج، متوسط ضریب سه و ضعیف ضریب یک دارد.

همان طور که مشاهده می‌کنید، پارامترهای متفاوتی در آن دخیل شده‌اند و فرمولی به دست آمده که کمترین ضریب خطا را دارد. شاید برای برخی از افراد این سوال پیش آید که نمایشی که قبلاً روی صحنه رفته و مراحل تبلیغات و خبررسانی آن در مرحله‌ای انجام شده است، فی‌نفسه از نمایشی که به تازگی تولید شده در این پارامتر امتیاز بیشتری خواهد آورد. باید بگویم مخاطبان سینما با مخاطبان تئاتر تفاوت عمده‌ای دارند. این تماشاگران شناخت کاملی از فعالان عرصه تئاتر دارند و نمایش‌ها را آگاهانه انتخاب می‌کنند. پس این شناخت، خود به عاملی تأثیرگذار در ارزیابی تماشاگر تبدیل می‌شود. از این گذشته، نمایش پرمخاطب نشان می‌دهد که مردم آن نمایش را پسندیده‌اند.

در هر سالن، صندوق‌هایی نصب شده که سه فضای مجزا برای سه گزینه یاد شده را دارد و هر شب گروه‌های نظرسنجی در گروه دو تا چهار نفره به سالن‌ها می‌روند و پیش از اجرای نمایش کارتهایی را به مخاطبان می‌دهند که روی آن توضیحاتی درباره چگونگی ثبت نظرشان داده شده است. پیش از شروع اجرا نیز در پیامی صوتی به آن‌ها یادآور می‌شویم که نظرشان را بدهند. در این واحد، ۲۲ همکار داریم که در پایان آخرین اجرا، نظرات مخاطبان را شمارش کرده و به صورت یک عدد که حداکثر پنج خواهد بود، اعلام می‌کنند.

اطلاعیه روابط عمومی جشنواره تئاتر فجر

روابط عمومی بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر ضمن سپاس و قدردانی از تلاش‌های مؤثر رسانه‌های جمعی در پوشش گسترده این جشنواره و پوشش از بروز برخی مشکلات پیش‌بینی نشده در این دوره، اطلاعیه‌ای را منتشر کرد که متن آن در پی آمده است:

۱. نمایندگان محترم رسانه‌های جمعی اعم از سایت‌ها، خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و گروه‌های رادیویی برای دریافت کارت اختتامیه اول جشنواره که به معرفی بهترین‌های تئاتر ایران در بخش‌های عکس، پوستر، تله‌تئاتر، نمایش‌های رادیویی، تئاتر خیابانی و بزرگداشت فنانه دادخواه و ابراهیم حقیقی اختصاص داشته و در روز پنجشنبه ۸ بهمن در محل تالار شماره یک تماشاخانه ایران‌شهر برگزار می‌شود، طی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه (۷ و ۸ بهمن) از ساعت ۹ صبح تا ۶ عصر به روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی مراجعه کنند. گروه‌های تلویزیونی حاضر در جشنواره نیز نیاز به کارت ویژه اختتامیه نداشته و با ارائه کارت شناسایی جشنواره‌ای خود می‌توانند در مراسم یادشده حضور به هم رسانند.

گفتنی است این مراسم به طور مستقیم از شبکه ۵ سیما (تهران) پخش خواهد شد.

۲. با وجود ارسال روزانه بسته‌های فرهنگی جشنواره اعم از کتاب‌ها، لوح تصاویر، عکس‌ها و... به رسانه‌های جمعی، چنانچه تاکنون منتقدان و خبرنگاران محترم رسانه‌های جمعی این بسته‌های فرهنگی را دریافت نکرده‌اند، می‌توانند تا پایان جشنواره (۱۱ بهمن) با مراجعه به روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی، موارد درخواستی خود را دریافت کنند.

نمایشگاه پروژه‌های قدیمی در خانه تئاتر

در اجرای یک اثر نمایشی عنصر نور از مهم‌ترین ابزارهایی است که کارگردان و طراح صحنه برای ایجاد جذابیت سعی دارد از آن به بهترین شکل ممکن، استفاده کند. استفاده از عنصر نور در صحنه، طی سال‌های اخیر - به ویژه در کشورهای صاحب تئاتر - دچار تغییر و تحولات زیادی شده و توانسته هر روز جایگاه خود را در عرصه نمایش تثبیت کند.



اما بهتر است به عقب‌تر نگاه کنیم و برویم به سال‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، زمانی که بزرگان تئاتر ایران در تماشاخانه سنگلج، اداره تئاتر و تئاتر شهر دست به خلق آثاری می‌زدند که هنوز به عنوان یک اثر مرجع به پژوهشگران و علاقه‌مندان به تئاتر معرفی می‌شود. در آن دوران، نحوه فراهم آوردن امکانات صحنه‌ای اینگونه نبود که همه ابزارهای آن تأمین باشد. ساخت دکور، طراحی نور و مواردی از این دست بسیار وقت‌گیر و البته دشوار بود.

شاید به همین دلیل است که آثار نمایشی آن دوران اینگونه ماندگار شده است. خانه نمایش اداره تولیدات تئاتر به بهانه برگزاری بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر دست به ابتکار جالبی زده و در یک اقدام ارزشمند و البته مؤثر، با جمع‌آوری پروژه‌های قدیمی تالارهای نمایشی، نمایشگاهی را برگزار کرده که تا به امروز با استقبال قابل توجه تماشاگران نیز روبه‌رو شده است.

تلاشمان این است که حدود ۹۰ درصد از آثار جشنواره در همان سالنی اجرا شوند که در آینده آنجا اجرای عمومی خواهند داشت



محمد حیدری، مدیر تئاتر شهر، عضو شورای عالی انتخاب و مدیر بخش‌های تجربه‌های نو و چشم‌انداز: اجرای عمومی نمایش‌های جشنواره در تئاتر شهر

آن معنی نیست که دیگر آثار که فقط اجرای عمومی دارند، هنری نیستند. آیا هم‌اکنون آثاری که پس از جشنواره، در تئاتر شهر اجرا خواهند شد مشخص شده است؟ از ابتدا، پیش از آن که اعلام نتیجه کنیم، با همه کارگردانان گفت‌وگوی حضوری داشتم. بنابراین، نمایش‌هایی که قرار است در تئاتر شهر اجرا شوند، مشخص شده‌اند. حتی سالن‌هایشان را می‌دانند و به آن‌ها گفته شده که از ابتدا که می‌خواهید وارد مرحله طراحی‌ها شوید، سالن اجرا را در نظر بگیرید تا دوباره کاری نشود.

تلاشمان این است که حدود ۹۰ درصد از آثار جشنواره در همان سالنی اجرا شوند که در آینده اجرای عمومی خواهند داشت. از انتخاب آثار بخش تجربه‌های نو بگویید.

در بخش تجربه‌های نو، کیفیت آثار ملاک اصلی انتخاب است. این نمایش‌ها در عین حال که به صورت کارگاهی و با نگاه نو و خلاقیت‌های خاصی تولید شده‌اند، می‌بایست در معرض دید مخاطبان قرار بگیرند. بنابراین، ما باز در بین این آثار دست به انتخاب خواهیم زد و ملزم نیستیم به همه اجرا بدهیم. در هر صورت، رویکرد ما برای سال آینده، در بخش نمایش‌های حرفه‌ای تئاتر شهر این است که حرف اول را کیفیت بزنند. از مجموع نمایش‌هایی که انتخاب شده و آن‌چه به تعامل صددرصد رسیده‌ایم، از بخش چشم‌انداز بدون شهرستان‌ها ۷ یا ۸ نمایش و از بخش تجربه‌های نو هم ۳ تا ۴ نمایش به اجرای عمومی در تئاتر شهر می‌رسند.

مدیر مجموعه تئاتر شهر باید از ابتدا در روند تولید آثار نمایشی قرار داشته باشد. حضور من در شورای عالی انتخاب با این اندیشه از طرف دبیر جشنواره صورت گرفت.

بعد می‌آیند و اجرا می‌شوند. در هر صورت، در فراخوان اداره کل هنرهای نمایشی برای بخش چشم‌انداز اجرای عمومی را تعهد کرده بود. البته الزامی ندارد که این اجراها تنها در تئاتر شهر باشد. با مشاوره عزیزانی که در کمیته انتخاب بودند، نمایش‌هایی را برای اجرا در سال جدید، انتخاب کردیم. حال می‌توان با اطلاعات کافی برای سال جدید و بقیه تولیدات برنامه‌ریزی کرد. حسن دیگر این اتفاق این است که اگر کسی صحبتی داشته باشد و اطلاعاتی بخواهد، می‌توانم درباره آن‌ها حرف بزنم.

نظر شما برای انتخاب آثار جهت اجرای عمومی کافی است؟ اعضای کمیته‌ای که قرار است نمایش‌های تئاتر شهر را انتخاب کنند، در شورای عالی حضور داشتند. علی مؤذنی و دکتر قهرمانی در بازبینی‌ها بودند و ما از مشاوره ایرج راد، دکتر کشن فلاح و دکتر ابراهیمیان و دیگر دوستان بهره برده‌ایم. این برنامه مشخص است و ما می‌توانیم از هم‌اکنون راجع به تولید بقیه آثار فکر کنیم و یک برنامه شش ماهه به مخاطبان بدهیم.

قطعاً، ملاک‌های انتخاب آثار برای جشنواره تئاتر فجر با ملاک‌های انتخاب برای تئاتر شهر تفاوت دارد. وجوه تمایز این دو رویکرد در انتخاب چیست؟ همین طور است. رویکرد جشنواره تئاتر فجر برای همه شناخته شده است، به عنوان جشنواره‌ای منحصر به فرد در تئاتر امکان دارد رویکرد نمایش‌های صددرصد جشنواره‌ای باشد و آثار به شکل هنری ارائه شوند. البته این به

نحوه عملکرد شورای عالی انتخاب چگونه بود؟ امسال، برای اولین بار در جشنواره تئاتر فجر، شورایی به نام شورای عالی انتخاب در گزینش نمایش‌های تمامی بخش‌ها نقش داشت. اعضای این شورا ملزم بودند همه نمایش‌ها را ببینند و در تمام بخش‌ها نظر بدهند. حضور شما به عنوان مدیر مجموعه تئاتر شهر در این شورا چه تأثیری داشت؟ به خصوص که مدیر بخش‌های تجربه‌های نو و چشم‌انداز که تولیدات جدید تئاتر را در بر می‌گیرد نیز هستید.

فکر می‌کنم مدیر مجموعه‌ای مثل تئاتر شهر باید از ابتدا در روند تولید آثار نمایشی قرار داشته باشد- البته این اتفاق در سال‌های قبل نیفتاده بود- به خصوص این نگاه در بخش‌های چشم‌انداز و تجربه‌های نو که از آن میان باید اجراهای عمومی سال آینده مشخص شود، اهمیت دارد. حضور من در این شورا با این اندیشه از طرف دبیر جشنواره صورت گرفت. به این ترتیب، شما تمامی آثار راه یافته به جشنواره را دیده‌اید؟ یا آن‌ها را به طور زنده دیدم یا فیلمشان را تماشا کردم. بنابراین آثار بخش مهمان، جشنواره جشنواره‌ها و یا حتی مرحله انتخاب جشنواره مناطق را دیدم. پس اگر چه به عنوان یک فرد نمی‌توانم همه نمایش‌ها را انتخاب کنم، ولی به عنوان مدیر مجموعه تئاتر شهر در روند تولید آثار قرار گرفته‌ام. عضویت در شورای عالی بسیار به من کمک کرد. وقتی برای مجموعه‌ای مثل تئاتر شهر برنامه‌ریزی می‌کنید، باید بدانید که چه نمایش‌هایی از جشنواره به سال

محمد حیدری مدیر مجموعه تئاتر شهر و یکی از اعضای شورای عالی انتخاب بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر است. وی مدیریت بخش‌های تجربه‌های نو و چشم‌انداز را نیز بر عهده دارد. او معتقد است به عنوان مدیر مجموعه‌ای مانند تئاتر شهر، باید از آغاز در جریان تولید نمایش‌ها قرار داشته باشد تا بتواند برنامه اجراهای سال آینده این مجموعه را تنظیم کند. انتخاب آثار دو بخش چشم‌انداز و تجربه‌های نو را فرصتی دانستیم تا در خصوص برنامه‌ریزی‌های آینده مجموعه تئاتر شهر و نقش مخاطب در اجراهای آن نیز صحبت کنیم.

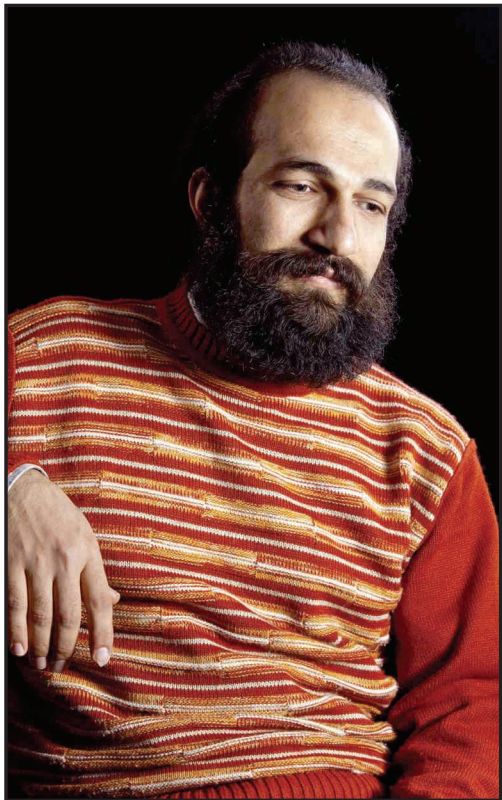
پیام عزیزی عضو شورای انتخاب آثار خیابانی:

ایده‌های برای خیابان و ارتباط با مخاطب

برای اجرای یک تئاتر، چه در صحنه اجرا شود و چه در خیابان، چه کلاسیک باشد و چه مدرن و فارغ از اینکه چند پرده داشته باشد، سه بخش مجزا مورد دقت قرار می‌گیرد: اول متن اثر، بعد کارگردانی آن و سپس بازیگرانی که همیشه مورد توجه قرار می‌گیرند. علاوه بر این‌ها برای هرگونه نمایشی، ریزه‌کاری‌هایی هم وجود دارد که باید به آن‌ها دقت کرد.

در تئاتر خیابانی، این نکته که ایده یا متن به فراخور خیابان است یا نه، یکی از پراهمیت‌ترین نکات خواهد بود.

در مرحله انتخاب آثار خیابانی، نمایش‌هایی را دیدیم که تمرین شده و بسیار با کیفیت بودند، اما قابلیت اجرا در خیابان را نداشتند. تئاتر خیابانی باید از عناصری که متعلق به خیابان است، استفاده کند.



آثار خلاقانه‌ای با موضوع «اصلاح الگوی مصرف» دیدیم، به نظر می‌رسد چون درباره این موضوع کمتر کار شده، پرداختن به آن برای کارگردان‌ها تازگی داشته است

نکته‌ای که هرگز نباید فراموش کرد، این است که تئاتر خیابانی در ایران نیازمند ارتباط با مخاطب است و چگونگی این ارتباط در زمره ملاک‌های ارزیابی تئاتر خیابانی قرار دارد.

امسال، در بخش خیابانی بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، بخش ویژه انقلاب اسلامی و شعار اصلاح الگوی مصرف را داشتیم؛ از این‌رو بخشی از انتخاب‌های ما با این رویکرد انجام شد.

اگرچه همیشه نمایش‌های موضوعی در خطر لغزیدن در ورطه فرمایشی شدن هستند، با این حال، سه تا چهار نمایش داشتیم که قطعاً شایسته ورود به رقابتی همچون تئاتر فجر بودند. در بررسی کلی، آثاری را که بر اساس شعار «اصلاح الگوی مصرف» شکل گرفته بودند، خلاقانه‌تر دیدیم ولی در بخش انقلاب اسلامی، طرحی که خیلی متمایز با آثار سال‌های قبل باشد، دیده نمی‌شد.

شاید دلیلش، سابقه باشد. موضوع انقلاب اسلامی چندین دوره در دستور کار بوده، اما درباره موضوع «اصلاح الگوی مصرف» کمتر کار شده است، بنابراین برای کارگردان‌ها تازگی داشته است.

در ابتدا، با وجود ترافیک سنگین دکورهای خارجی، قرار نبود به آثار ایرانی خدمات بدهیم، اما از آن جایی که این امکانات متعلق به تمام تئاتر ایران است، کوشیدیم این مهم را برای گروه‌های ایرانی نیز فراهم کنیم. ما با جشنواره تئاتر فجر به عنوان بزرگ‌ترین رویداد تئاتری کشور، تعامل خوبی داریم و بهترین هنرمان را در این حوزه عرضه کرده‌ایم. درباره آثار خارجی، ما همیشه بیشتر از توقع و انتظار آن‌ها کار انجام داده‌ایم. گروه‌های ایرانی هم به فراخور نیاز خود به ما رجوع کرده‌اند. مثلاً می‌توانم از گروه «دلو» و چند گروه دیگر نام ببرم. ما نیازهای آن‌ها را در خصوص ملزومات اجرایی و آکسسوار رفع کردیم.

تعدادی دیگر از گروه‌ها نیز محتاج به مکانی برای ساخت دکور بودند، از این‌رو محوطه پارکینگ را در اختیار آن‌ها قرار دادیم. ما به گروه‌های تئاتری ارجح می‌دهیم و در ارائه کمک به آن‌ها کوتاهی نخواهیم کرد.

با توجه به این حجم از آثار، ظرفیت اجرایی کارگاه دکور چقدر است؟

با توجه به وجود تالار فردوسی و استقرار مرکز آموزش هنری بنیاد رودکی که در شرف افتتاح است، کارگاه عملاً ظرفیت گسترده‌ای ندارد. مدیریت محترم تالار سوله‌ای را برای کارگاه دکور در گوشه پارکینگ در نظر گرفته بود که روند ساخت آن توسط شهرداری منطقه متوقف شده است. دلیل آن نیز مسائل شهری عنوان شده است. امیدواریم بتوانیم سال آینده با بهره‌برداری از این سوله به ظرفیت کارگاه دکور بیفزاییم. طبق این طراحی ما بخش‌های آهنگری، نجاری و نقاشی را خواهیم داشت. فعلاً سالن را در اختیار داریم. ولی بخش آهنگری به دلیل شرایط ساختمان وجود ندارد و ما امور مربوط به این حوزه را در حیاط پارکینگ انجام می‌دهیم. در مجموع، ما به ارتفاع و گستردگی مکان نیازمندیم.

کارگاه دکور برای ارائه خدمات پیشتر چه برنامه‌ای برای سال آینده دارد؟

همان‌طور که گفتم، ساخت سوله یکی از طرح‌های توسعه کارگاه است. به علاوه، برای بخش‌های مختلف توسط مدیریت بنیاد، دستگاه‌های مختلف بسیار پیشرفته‌ای خریداری شده است. برای مثال، امسال برای بخش خیاطی چند دستگاه چرخ خیاطی بسیار مدرن خریداری کرده‌ایم. ما تنها کارگاه مجاز در مرکز شهر هستیم و این‌جا بهترین مکان برای ارائه خدمات به هنرمندان است. راه نزدیک و هزینه‌اندک از مزیت‌های این کارگاه است. اکنون ۳۰ سال از عمر این کارگاه می‌گذرد و تجربیات کارکنان آن سینه به سینه به نسل بعدتر انتقال داده شده است. امروز می‌توانیم بگوییم در حداقل زمان، حداکثر کارایی را داریم. ما قابلیت‌های بالقوه زیادی داریم. بی‌اغراق، سخت‌ترین دکورها را ظرف مدت اندک تحویل می‌دهیم.

میانگین تحویل دکور توسط کارگاه چند روز است؟

به طور میانگین، هر دو روز یک دکور فنی را ارائه می‌کنیم. کارگاه ما تنها کارگاهی است که با حداقل قیمت، بهترین خدمات را دارد.

گفت‌وگو با «هومن شیخ بشارتی»، مدیر کارگاه دکور تالار وحدت

حداقل زمان، حداکثر استفاده



این دکور را بسازند، خوشبختانه، کارکنان کارگاه با تجربه چند ساله خود دکور آن اجرا را حتی بهتر از آن‌چه دوستان خارجی ما تصور می‌کردند، ساختند. دو سال پیش، نمایشی از کشور فرانسه جایزه اول طراحی صحنه را کسب کرد و سال گذشته نمایشی از کشور روسیه این جایزه را به خود اختصاص داد. ساخت دکور هر دو اثر با ما بود. این نشان می‌دهد که کارگاه دکور در ساخت درست و به هنگام دکورهای آثار حاضر تا چه حد احساس مسئولیت می‌کند.

جدا از گروه‌های خارجی، گروه‌های ایرانی نیز از خدمات شما استفاده کردند؟

«هومن شیخ بشارتی» از مدیران کارآموده مجموعه بنیاد رودکی است که در حال حاضر مدیریت کارگاه دکور تالار وحدت و مدیریت تالار فردوسی را بر عهده دارد. کارگاه دکور در این روزها یکی از شلوغ‌ترین روزهای خود را می‌گذراند. ازدحام برای ساخت دکور نمایش‌های مختلف، تمرکز و تعهد مضاعفی را می‌طلبد تا به نتیجه مطلوب برسد. در این زمینه گفت‌وگویی با هومن شیخ بشارتی انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

در حال حاضر، کارگاه دکور تالار وحدت چه نمایش‌ها و گروه‌هایی را پوشش می‌دهد؟

بیشتر تمرکز ما در جشنواره، معطوف به گروه‌های خارجی و آثار حاضر در بخش بین‌الملل است. امسال حجم آثار زیاد بود زیرا توقع این حضور و گستردگی را نداشتیم. در این دوره با توجه به تجربیات سال‌های گذشته و تدابیر دبیر محترم در روند ساخت دکورها سرعت داشتیم. سال گذشته کارگاه دکور بسیار تحت فشار قرار داشت. طرح‌های صحنه‌ای آثار، چهار یا پنج روز قبل از اجرا به ما می‌رسید که ساخت دکورها را با دشواری مواجه می‌کرد. اما امسال تمام طرح‌ها از ۲۰ روز جلوتر در اختیار گروه ساخت دکور قرار گرفت و ما توانستیم با فراغ البال به ساخت دکورهای آثار متقاضی بپردازیم.

امسال حجم‌ترین دکورها متعلق به کدام گروه بود؟

گروه‌های خارجی عموماً دکورهای سنگین دارند. از جمله نمایش‌های کره جنوبی، ایتالیا و لهستان. نمایش «عطر زمان» از لهستان دکور بسیار بزرگی داشت. حتی می‌توان گفت دکور این اثر با دکور تمام آثار حاضر در جشنواره برابری می‌کند. ما شنیدیم یکی از این گروه‌ها گفته بود که ایرانی‌ها نمی‌توانند

نمایش «عطر زمان» لهستان دکور بسیار عظیمی دارد. می‌توان گفت دکور این اثر با دکور تمام آثار حاضر در جشنواره برابری می‌کند، کارکنان کارگاه، با تجربه چند ساله خود، دکور آن را اجرا و حتی بهتر از تصور دوستان خارجی ساختند



«من، یک، هر کسی، بخش دوم» به کارگردانی یونگ_هی کیم، از کره جنوبی

نمایشی مبتنی بر اجراهای سنتی و مدرن

هنر تئاتر در کره

تمامی داستان را بازگو می‌کند و بازیگر دیگر با نواختن طبل و تکرار آواهایی به نمایش حرکت و ریتم می‌دهد.

نه شیوه نمایشی «تالکام» و نه شیوه «پنسوری» هیچ‌کدام متن‌های ثابت و نوشته شده‌ای نداشته‌اند و داستان‌ها و مضامین آن‌ها نسل به نسل و سینه به سینه نقل می‌شده است.

هویت واقعی خویش را پنهان سازند، بسیاری از متون این گونه نمایش به صورت هجو و نقد و مضحکه نوشته می‌شده است.

این در حالی است که گونه نمایش‌های «پنسوری» بیشتر قالب داستان‌گویی دارد. در این شکل تئاتری، یک مجری بازیگر مرکزی وجود دارد که از طریق کلام و آواز

فضای باز در معرض دید مخاطبان قرار می‌گرفت. تالکام از نظر معنی واژگانی معادل «رقص با نقاب» است. در این گونه نمایشی، تعدادی از بازیگران نقاب‌هایی را بر چهره می‌زنند و قالب‌های تثبیت شده‌ای را از طریق اجرای حرکات ریتمیک و موزن و کلام و آواز به نمایش می‌گذارند. از آنجا که در «تالکام» بازیگران می‌توانند

ندارد و تمامی نمایش بر پایه اشکال نمایشی و اجرایی همچون حرکات موزون و ریتمیک، آیین‌های شمنی و فرم‌های نمایش‌های میدانی ملی کره به نام «نولوم» و یا «ینوهی» (به معنای بازی کردن) شکل نهایی خود را پیدا می‌کند. تا قرن نوزدهم، شکل اصلی نمایش‌های عمومی به اشکال «تالکام» و یا «پنسوری» در

کره جنوبی با نمایش «من، یک، هر کسی، بخش دوم» به کارگردانی هی کیم در بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر حضور دارد. هنر تئاتر در کره پیش از قرن بیستم بیشتر رویکرد اجرایی و فرمی داشت تا بیان داستان‌های دراماتیک. در تئاتر کره معمولاً طرح داستانی که تئاتر را به پیش ببرد، وجود

توجه کره‌ای‌ها به سبک‌های غربی نمایش

هنرمندان عرصه نمایش کره در آن زمان، برای نمایش‌های غربی عنوان می‌کردند. البته با وجود ساخت سالن‌های نمایشی جدید و نیز ورود آثار شکسپیری، هنرمندان کره همیشه در تلاش بوده‌اند تا خطوط مشترکی را میان نمایش‌های سنتی و موج جدید ترسیم و بین آن‌ها ارتباطی معقول و منطقی ایجاد کنند.

در اواخر قرن نوزدهم که کره درهای خود را به روی کشورهای دیگر گشود، نخستین نمایش مدرن صحنه‌ای با نام «هیو پیول سا» در سال ۱۹۰۲ شکل گرفت و از آن زمان به بعد روند اجرای «نمایش‌های جدید» ادامه یافت.

«نمایش‌های جدید»، عبارتی بود که

در تئاتر کره معمولاً طرح داستانی وجود ندارد و تمامی نمایش بر پایه اشکال نمایشی و اجرایی همچون حرکات موزون و ریتمیک، آیین‌های شمنی و فرم‌های نمایش‌های میدانی ملی کره شکل نهایی خود را پیدا می‌کند



بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در رسانه‌های داخلی و خارجی

انعکاس اخبار تئاتر ایران و به‌ویژه جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در رسانه‌های تصویری یکی از مهم‌ترین اتفاقات بهمن ماه ۸۸ است که در برنامه‌های متعدد تلویزیونی و رادیویی نمود داشته است. ۱۰ شبکه تلویزیونی داخلی و بین‌المللی ایران، ۱۰ شبکه رادیویی کشور در کنار ۲۰ رسانه خارجی این جشنواره را پوشش داده‌اند

پخش زنده مراسم افتتاحیه از دو شبکه

سیاوش حقیقی تهیه‌کننده برنامه «تئاتر برای همه» توضیح می‌دهد که با حمایت ریاست سازمان صداوسیما و مهندس جعفری به این نتیجه رسیدیم که پوشش برنامه‌های جشنواره تئاتر فجر در دستور کار شبکه‌های سیما قرار گیرد که در وهله اول با مشکلاتی نیز روبه‌رو بود. یکی از این مسائل تعریف نشدن تئاتر برای مردم بود. در گام اول با مصوبه شورای معاونین، پخش تیزرهای جشنواره انجام شد. این تیزر تا پایان جشنواره از تمامی شبکه‌ها پخش می‌شود. وی در خصوص پوشش رسانه‌ای مراسم اختتامیه نیز توضیح داد که تهیه‌کنندگی ارتباط زنده دو شبکه جام‌جم و تهران را برای مراسم اختتامیه جشنواره برعهده دارد و قرار است دو ویژه‌برنامه دیگر نیز پس از اختتامیه برای شبکه‌های یک و تهران داشته باشد.



۱۰ شبکه تلویزیونی داخلی و بین‌المللی ایران، ۱۰ شبکه رادیویی کشور در کنار ۲۰ رسانه خارجی این جشنواره را پوشش داده‌اند

تئاتر در سیما

به استقبال آثار جشنواره می‌رود. برنامه «در شهر» گزارش‌هایی کوتاه از جشنواره تئاتر فجر دارد و ویژه‌برنامه «تئاتر برای همه» با تهیه‌کنندگی سیاوش حقیقی نیز در ساعت ۲۰:۴۵ هر شب به جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر می‌پردازد. واحد مرکزی خبر، شبکه خبر، پرس تی وی، شبکه سحر، باشگاه خبرنگاران جوان و شبکه جام‌جم در فهرست شبکه‌هایی است که از این جشنواره گزارش می‌دهند. گزارش‌های شبکه جام‌جم علاوه بر انعکاس در اخبار روزانه، در برنامه‌های «جشنواره جشنواره‌ها» با تهیه‌کنندگی مهرداد حجتی و برنامه «شب ایرانی» پخش می‌شود.

شبکه یک، هر روز ساعت ۱۶ برنامه ۲۵ دقیقه‌ای را با عنوان «تماشاخانه ۲۸» پخش می‌کند که تهیه‌کنندگی آن را محمدجعفر بالاور برعهده دارد. در شبکه دو برنامه «مجله فرهنگی» به تهیه‌کنندگی ایرج مهام در ایام برگزاری جشنواره تئاتر فجر، چهار برنامه خود را به گزارش اتفاقات جشنواره تئاتر فجر اختصاص داده است. شبکه سه سیما نیز در برنامه صبحگاهی خود گزارش‌های کوتاهی از جشنواره بیست و هشتم را پخش کرده است. شبکه چهار برنامه زنده تلویزیونی ویژه‌ای با تهیه‌کنندگی نیما دهقان دارد که هر روز به مدت ۳۰ دقیقه پخش می‌شود. اما شبکه تهران هر روز با دو برنامه



۲۰ رسانه خارجی در جشنواره بیست و هشتم



بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با حضور ۲۰ شبکه تلویزیونی و چند روزنامه و خبرگزاری از سه قاره اروپا، آسیا و آمریکا روزهای خود را پشت سر می‌گذارد. شبکه‌های تلویزیونی ZDF از آلمان، العین از امارات، CBS و APTN از آمریکا، روسیا الیوم از روسیه، رویترز از انگلستان، NRLK و جین نت از ژاپن، SF از سوئیس، الفرات از عراق، العربیه و MBC از عربستان سعودی، الجزیره انگلیسی و الجزیره از قطر، المنار و LBC از لبنان از جشنواره امسال گزارش تهیه می‌کنند. در عین حال، خبرنگاران خبرگزاری AP آمریکا و روزنامه‌های فایننشال تایمز از انگلستان و یومیوری از ژاپن نیز در فهرست خبرنگاران بین‌المللی این جشنواره دیده می‌شوند.



جشنواره تئاتر در برنامه‌های رادیویی

در برنامه‌های خبری و برنامه «از واژه تا نمایش» و همچنین برنامه صبحگاهی نیز به تئاتر فجر می‌پردازند. شبکه جهانی صدای آشنا، بخش رادیویی باشگاه خبرنگاران جوان و شبکه رادیویی جوان و اداره کل پخش اخبار صدا از دیگر شبکه‌های رادیویی‌اند که جشنواره تئاتر فجر را پوشش می‌دهند.

تئاتر فجر را در فهرست برنامه‌های روزانه خود قرار داده است. برنامه «پیدا و پنهان» با تهیه‌کنندگی علیرضا محمدنیا و سردبیری مارال دوستی هر شب از ساعت ۲۰ تا ۲۱ و همچنین برنامه «برداشت هفتم» از این شبکه پخش می‌شود. مرکز رادیو البرز، ایران صدا، صدای شهر، رادیو تهران، شبکه رادیویی تهران

پخش می‌کند. تهیه‌کنندگی این برنامه را هانی حسینی و سردبیری آن را عباس غفاری برعهده دارند. شبکه رادیویی «ایران» نیز ویژه‌برنامه «تئاتر برای همه» را هر روز از ساعت ۱۷:۴۵ تا ۱۹:۱۵ با تهیه‌کنندگی طاهره نیافر و سردبیری علی جعفری پخش می‌کند. رادیو «گفتگو» نیز در دو برنامه مجزا،

این روزها ۱۴ ویژه‌برنامه از ۱۰ شبکه رادیویی، اخبار بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر را انعکاس داده و برگزاری این جشنواره را زمینه‌ای برای پرداختن به تئاتر و مسائل پیرامون آن قرار داده‌اند. شبکه رادیویی «فرهنگ» ویژه‌برنامه «تئاتر ۸۸» را هر شب از ساعت ۱۹:۳۰ تا ۲۰:۳۰ به طور زنده از مجموعه تئاتر شهر

سفر طولانی جنگ، از آبادان تا تبریز

یعقوب صدیق جمالی، کارگردان نمایش «سال کیسه عیسی»



یعقوب صدیق جمالی که کارشناس ارشد تهیه‌کنندگی نمایش از دانشکده صدا و سیماست، از سال ۱۳۶۸ فعالیت خود را در زمینه نمایش آغاز کرد و تاکنون در بیش از ۴۰ نمایش به عنوان نویسنده و کارگردان حضور داشته و در دوره گذشته جشنواره فجر، یکی از ۳۰ چهره تجلیل شده عرصه نمایش در شهرستان‌ها بوده است. نمایش «سال کیسه عیسی» به موضوع دفاع مقدس می‌پردازد. روایت نمایش به شکلی موازی در کلیسای آبادان و خانه‌ای واقع در تبریز می‌گذرد. صدیق جمالی در این گفت‌وگو علاوه بر بیان نکاتی پیرامون نمایش خود، به مسائلی چون مشکلات تئاتر در شهرستان‌ها و حضور متفاوتش در این دوره (بخش چشم‌انداز) جشنواره فجر پرداخته است.

طبیعی است که وقایع امروز نه به شکلی مستقیم، بلکه با حضور شخصیتی که نماینده نسل سوم جامعه است، در نمایش تبلور یابد، به نظر من، در حوزه جنگ معمولاً آثار تحلیلی و غیر شعاری در سال‌های دوری پس از جنگ شکل می‌گیرند. وقتی از یک جریان هیجانی دور می‌شویم، می‌توانیم به شکلی تحلیلی به آن نگاه کنیم. اتفاقی هم که در این نمایش می‌افتد، دقیقاً به همین شکل است. رویدادی در گذشته و در زمان جنگ اتفاق می‌افتد. بعدها این شخصیت‌ها ضمن مواجهه منطقی با موضوع به تصمیم جدی در این حوزه می‌رسند.

همان‌طور که گفتید، قسمتی از نمایش شما در فضای یک کلیسا می‌گذرد. تا چه حد ارتباط فرهنگ‌ها و مذاهب دغدغه شما بوده است؟

شخصیت‌های اصلی نمایش آرامه هستند. این نمایش سعی کرده به حضور آنان در سال‌های دفاع مقدس بپردازد. به دنبال کوچ یک خانواده ارمنی از آبادان به تبریز، ارتباط فرهنگی میان این دو دین به خوبی خود را نشان داده است.

شما چند سالی است که از طریق جشنواره‌های استانی و منطقه‌ای در جشنواره فجر شرکت می‌کنید. امسال نمایش شما در بخش چشم‌انداز پذیرفته شده است. دلیل این تصمیم چیست؟

طی کردن مراحل حضور در جشنواره‌های استانی و منطقه‌ای سخت و طاقت فرسا است. امسال که من در بخش چشم‌انداز جشنواره شرکت کردم، کم‌ترین استرس و دردسر را داشتم.

با این وجود من برگزاری جشنواره‌های استانی را لازم و ضروری می‌دانم چون تنها انگیزه تولید نمایش برای علاقه‌مندان شهرستانی است. اما به نظر می‌توان با انجام تدابیری و با طراحی شیوه‌های جدید و ایجاد امکانات حضور بیشتر برای هنرمندان شهرستان، آن حوزه را هم تقویت کرد.

شما به عنوان یک هنرمند شهرستانی که در این چند سال فعال بوده‌اید اگر بخواهید نگاه آسیب‌شناسانه‌ای به این موضوع داشته باشید، مشکلات را از کجا می‌بینید؟ در این مورد من مثالی می‌زنم، شما خودتان نتیجه بگیرید. آیا باور می‌کنید حدود ۲۰۰ هزار تومان کمک‌هزینه جشنواره استانی ما بوده است؟ این در حالی است که من ۲۰ سال است که در این حوزه شاگردی می‌کنم. جالب است بدانید سال ۲۰۰۷، ۲۰۰ هزار تومان از اداره کل استان کمک‌هزینه گرفتم و سال ۸۷ نیز همین مبلغ را به عنوان کمک هزینه دریافت کردم. به نظر می‌رسد تورم در این حوزه صفر بوده است!

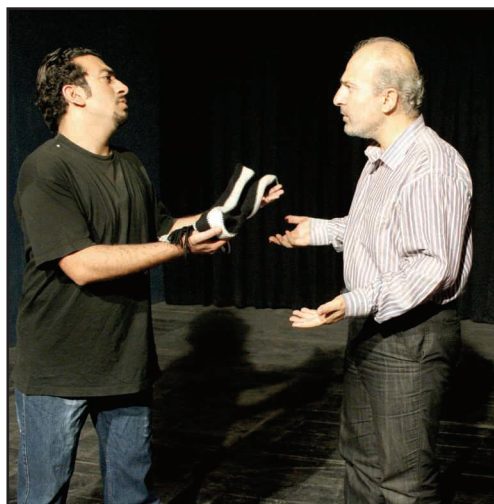
منطقه اهمیت بسزایی داشته است، اما چیزی که ما را بیشتر علاقه‌مند و به نوعی وادار به این کار می‌کند، یک نوع نگاه جغرافیایی به موضوع‌های طرح شده در نمایش است. می‌خواهیم جغرافیایی در اثر ارائه شود که به شکل مداوم یسادی از تبریز و رزمندگان درگیر با جنگ آن خطه داشته است.

در عین حال، ما می‌توانستیم مثل دیگر دوستان هنرمند، کوچ کنیم و به تهران بیاییم. اما ما دینی نسبت به این منطقه احساس می‌کنیم. بنابراین، اگر چه نمایش‌های تولید شده توسط گروه‌های شهرستانی ممکن است ضعف‌های تکنیکی داشته باشند، اما حائز اهمیت است که امثال بنده و دیگر دوستان شهرستانی با پافشاری و ممارست چراغ تئاتر را در اقصی نقاط کشور روشن نگه داریم.

سال‌ها از وقوع جنگ در کشورمان می‌گذرد و اکنون فضای جامعه ما متفاوت از دوران دفاع مقدس است. نمایش شما که به مضمون دفاع مقدس می‌پردازد، چه رابطه‌ای با مخاطب امروز جامعه برقرار می‌کند؟

همان‌طور که گفتیم، وقایع نمایش ما قسمتی در امروز و قسمتی در گذشته اتفاق می‌افتد.

این نمایش سعی کرده به حضور آرامه در سال‌های دفاع مقدس بپردازد. با کوچ یک خانواده ارمنی از آبادان به تبریز، ارتباط فرهنگی میان دو دین نیز نشان داده می‌شود



نیست که صرفاً به شکل رئال این اتفاق بیفتد.

برای طراحی صحنه به شگرد خاصی رسیده‌اید؛ در این باره برایمان بگویید.

بله، من در حوزه طراحی صحنه با مشورت یکی از دوستانم (مهدی عزتی) به یک طرح تلفیقی از دو مکان کلیسا و خانه اکنون خانواده رسیده‌ام. سعی کرده‌ام از عناصر مشترکی استفاده کنم که به شکل نشانه‌ای این دو مکان را به همدیگر نزدیک می‌کند. فکر می‌کنم نتیجه بدی هم گرفته نشده، هر چند که داوری نهایی با مخاطب است.

شما در نمایشنامه‌هایتان خیلی به فضای بومی محل زندگی‌تان توجه می‌کنید. این فقط به دلیل شناختی است که از آن فضا دارید یا احساس می‌کنید موظفید ناگفته‌هایی از آن مکان‌ها را بازگو نمایید؟

من با بخش دوم صحبت شما موافق هستم. ببینید منطقه آذربایجان و به ویژه تبریز، هم از نظر فرهنگی و هم از نظر اجتماعی یکی از مهم‌ترین قطب‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور ما بوده است. در مقطع جنگ هم این

این چهارمین نمایشی است که با نادر ساعی در مقام نویسنده همکاری می‌کنید. این تفاهم مشترک که تاکنون ادامه داشته، چگونه شکل گرفته است؟

بنده و ایشان در مقطع کارشناسی با هم بودیم، پیش از آن هم در تبریز با هم کار می‌کردیم. این دوستی طولانی تفاهمی را ایجاد کرده که در آثار اخیرمان به یک تقسیم کار منجر شده است. آقای ساعی‌ور در حوزه ادبیات نمایشی متمرکز است و بنده هم بحث تولید و ارائه آثار را انجام می‌دهم.

نمایش شما دارای مضمون دفاع مقدس است. با توجه به این مضمون، نوآوری در طراحی ساختار نمایش تا چه حد دغدغه شما بود؟

به دلیل این که بخش‌هایی از نمایش در گذشته اتفاق می‌افتد، مقداری از شیوه رئالیستی اثر فاصله گرفته‌ایم و برای بازسازی این گذشته از ویژگی‌ها و تکنیک‌های دیگری بهره برده‌ایم. دو مکان مختلف را هم‌زمان نمایش می‌دهیم که طبیعی است با امکانات ما و ویژگی‌های فنی سالن‌های ما زیاد مقدور

مفکود الاثر در مسیر مهمه‌مانی

«مکاشفه در باب یک مهمانی خاموش» به نویسندگی آتیلا پسیانی و کارگردانی رضا حداد

این یک نقد نیست، یا لاف‌تو جوری بخوانش که نقد نباشد. این توصیفی است از آن چیزی که دیدم. «مکاشفه در باب یک مهمانی خاموش» همان مزه «کسی نیست که تمام داستان را به یاد آورد» را می‌دهد. حلقه ارتباط اپیزودهای این اجرا، نریشنی است که توسط نویسنده آن (آتیلا پسیانی) که صدایش در این اثر صاحب پرسوناژی نامشخص است، گفته می‌شود.

چند آدم در چند نقطه شهر، در یکی از روزهای اردیبهشت ماه سال جاری به مهمانی رفته‌اند. صدا گزارش می‌دهد که این آدم‌ها مفقود شده‌اند. متن گزارش و لحن صاحب صدا انگار از نیستی آنها پرده بر می‌دارد. از مشخصات آن‌ها می‌گوید، از چیزی که به تن داشته‌اند و از رابطه‌ای که احیاناً با هم دارند. لحن گفتن این مطالب پلیسی است. حتی ته‌لجه جنایی هم می‌توان برای آن تصور کرد. سرآخر، روایت صدا به نشسته‌خوانی از یک مهمانی می‌رسد. در خلال ایراد این نریشن، اپیزودهای گوناگون را می‌بینیم که در فضاهای مختلف و البته متکی به خود، در یک هیأت کلی، قاعده اجرا را تشکیل می‌دهند. چند آدم ایستاده در انتهای صحنه با نور چراغی که به سرشان متصل کرده‌اند و به یک ماشین کوکی که کنترل آن در دست خودشان است، به سمت جلو جایی که نزدیک به تماشاگر است، پیش



می‌آیند. البته شکل نورپردازی و سیگاری که هر کدام به لب دارند را هم بر این فضا بیفزایید. استفاده از فناوری و ابزارهای الکترونیکی، بازی با صدا و تصویر، نقش کردن تصویر بر سیکلوی انتهای سالن و نوع پردازش صحنه‌ها، جلوه‌هایی دیدنی را در مقابل چشم تماشاگر می‌گذارد.

دوربین زنده گاه در لحظه آن چه را که بر صحنه به وقوع می‌پیوندد، در پرده انتهای سالن، بزرگ و مؤکد به نمایش می‌گذارد. این گونه مهمانی تصاویر میسر می‌شود.

اجرا مجموعه‌ای از قصه‌هاست که گاه با ربط و گاهی بی‌ربط از محیط هم تشکیل یافته‌اند. آن‌ها هر کدام خارج از قاعده اجرا یک نمایش کوچک هستند. در این میان و در فواصل اجرای این خرده نمایش‌ها، یک گرداننده، یک مجری یا هر چیز دیگر که اسمش را بگذاری، در این فضا وجود دارد که در ارتباطی مستقل و مستقیم با تماشاگر خود، بدل به یک اکت نمایشی می‌شود. رنگ‌ها در نور، شکل‌بندی لباس‌های بازیگران و تصاویر موجود بر پرده انتها در امتزاج با هم، شکل‌های بدیع تصویری می‌سازند. به علاوه، داستانی هم هست که تو دنبالش می‌کنی و این رشته را تا انتها نگه می‌داری.

نقش نور، نقش مطمئنی است. آن قدر حضور محکمی دارد که نورپردازی در برخی صحنه‌ها، خود تبدیل به یک میزانشن موجود و قابل دید می‌شود. موسیقی هم محکم و مرتب در صحنه جاری است. آن هم مثل نور بدل به بخشی از داستان می‌شود و در روند داستانی خرده نمایش‌ها تأثیرگذار است. تعریف ماجرا از لطف دیدن اثر می‌کاهد. نکته‌هایی که گفته شد، تحریک جالبی است برای دیدن آنچه که «مکاشفه در باب یک مهمانی خاموش» نام گرفته است.

چند آدم، در چند نقطه شهر در یکی از روزهای اردیبهشت ماه سال جاری، به مهمانی رفته‌اند. نریشن گزارش می‌دهد که این آدم‌ها مفقود شده‌اند



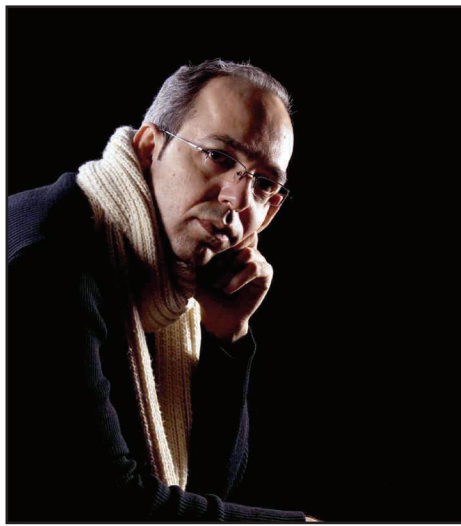
آثار شهرستانی‌ها بهترین‌ها تهرانی‌ها

بهزاد صدیقی، عضو هیات انتخاب نمایش‌های خیابانی

«در اجرایی همگانی، اگر فقط یک بار بتوانیم تماشاگر را با درد آشنا کنیم، خواهیم توانست او را به سرچشمه احساساتش هدایت کنیم، به نحوی که هرگز دست به خشونت نزنند.»

جیمزروس اونز

در تئاتر خیابانی، همه چیز از یک ایده شروع می‌شود و ایده باید بتواند اثربخشی بسیاری داشته باشد. زیرا اگر گروه اجرایی در تمرین‌های گروهی ایده را به متن تبدیل کند، طبیعتاً به اجرای بهتری هم دست می‌یابد. برخی از نمایش‌های خیابانی جشنواره ظاهراً از این روش پیروی کرده بودند، اما تعداد این گروه‌ها کم بود. در انتخاب نمایش‌ها کوشیدیم آثاری را مورد توجه قرار دهیم که هم بازیگرانش در اجرای نقش خود از توانایی‌های خوبی برخوردارند و هم ایده‌های تازه‌تری را دنبال می‌کنند. گروه‌هایی نیز شکل‌ها و فرم‌های غیرمعماری را به نمایش گذاشتند. هر چند تعداد این گروه‌ها کم بود. در بخش شهرستان‌ها، آثار خوبی دیده می‌شدند که گاه به مراتب بسیار بهتر از گروه‌های تهرانی بودند و ویژگی‌های تئاتر خیابانی را به شکل درست و محکمی رعایت کرده بودند. اما معتقدم این همه داشته‌های تئاتر خیابانی کشور ما نیست و داشته‌های ما در این زمینه خیلی بیشتر از این‌هاست که به هر دلیلی در این



در انتخاب نمایش‌ها کوشیدیم آثاری را مورد توجه قرار دهیم که هم بازیگرانش در اجرای نقش خود از توانایی‌های خوبی برخوردارند و هم ایده‌های تازه‌تری را دنبال می‌کنند

دوره نمود نیافته است. شاید اگر از گروه‌های بیشتری دعوت می‌شد یا به گروه‌های پیشین سفارش کار داده می‌شد تا در جشنواره حضور داشته باشند، حتماً رونق بیشتری را در این بخش شاهد بودیم. گروه‌هایی مثل گروه «آبی» که هر وقت کاری را آماده اجرا می‌کند با نوآوری و تازگی همراه است و مخاطبان نیز از دیدن آثارشان لذت بیشتری می‌برند. متأسفانه فاصله ما با تئاتر خیابانی دنیا مثلاً اروپا و کشورهای اروپای شرقی بسیار است و اگر گروه‌های خیابانی ما بیشتر در تعامل با محیط خارج از کشور قرار گیرند و حتی کارگاه‌های ویژه‌ای در طول سال برایشان برگزار شود، قطعاً ارتقای بیشتری را در این بخش شاهد خواهیم بود. تعامل گروه‌های تئاتر خیابانی، تئاتر میدانی یا تئاتر محیطی با هنرمندان تئاتر در آن سوی آب‌ها می‌تواند اثربخشی بسیار خوبی را در این نوع تئاتر کشورمان فراهم آورد تا تعریف و دیدمان به همین تئاتر صرفاً میدانی و همیشگی نباشد.

متأسفانه هنوز برخی از گروه‌ها یا شرکت‌کنندگان این بخش تفاوت تئاتر خیابانی با تئاتر صحنه‌ای را نمی‌شناسند و هیچ تعریف روشنی از آن ندارند. این نشان می‌دهد که پژوهش، مطالعه و تحقیقی از سوی این کارگردانان و گروه‌ها صورت نمی‌گیرد و همان تجربه‌های تکراری را یک بار دیگر تکرار می‌کنند. همچنین ممکن است تئاتر خیابانی را با تئاتر صحنه‌ای و حرفه‌ای اشتباه گیرند زیرا بسیاری از گروه‌ها نمی‌دانند تئاتر خیابانی با تئاتر میدانی و محیطی فرق دارد و این نشان می‌دهد که مطالعه و پژوهش توسط آن‌ها فراموش شده‌است.

به هر حال امیدوارم تئاتر خیابانی کشور ما در آینده‌ای نه چندان دور به بالندگی بیشتری دست پیدا کند و نه تنها در ایران که در دنیا نیز حرفی برای گفتن داشته باشد.

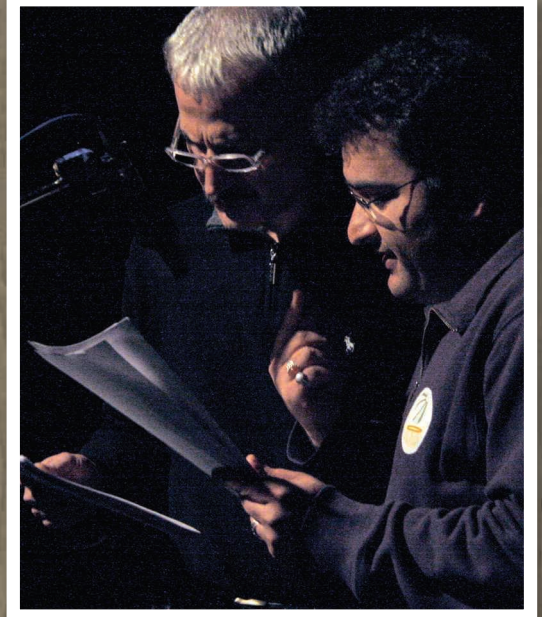


تولادی آب / عکس: احمد نشان

صد راه صدرا / عکس: رضا موسوی



پازی / عکس: مانی لطفی‌زاده



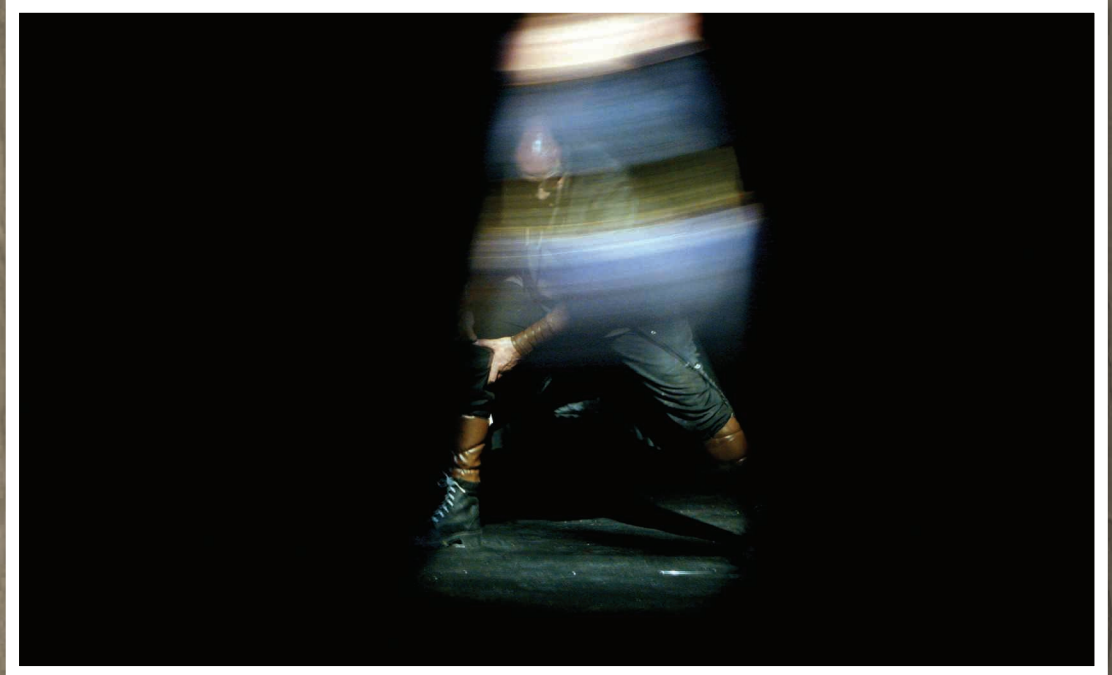
باجه تلفن / عکس: اکبر ترابی



گل / عکس: اکبر ترابی



ورودیه پنچ / عکس: شکوفه هاشمیان



از غوان / عکس: مانی لطفی‌زاده



عطر زمان / عکس: میلاد پیامی



۱۱:۱۱ / عکس: شکوفه هاشمیان



رویاهای کوچک / عکس: ناصر عرفانیان



اعتزاقات / یک مستاجر / عکس: احمد نشان



از سفید تا خط خطی / عکس: احمد نشان

دوست من عمو بیلی / عکس: مانی لطفی‌زاده





«عطر زمان» به نویسندگی و کارگردانی «یرژی زون» از لهستان

آلبومی از احساسات کودکانی

نمایش احساسات، از کودکی تا پیری

بدل می‌شود، اما تمامی آن احساسات کودکانه همچنان با وی باقی می‌ماند. به همین دلیل است که در بخش نخست تئاتر «عطر زمان»، ما با کودکی رو به روییم که با تمامی نگرانی‌ها و اضطراب‌ها در رختخواب خود گذاشته می‌شود، تختی در یک قفس عظیم پرند که به عنوان اتاق او دیده می‌شود. اما در بخش‌های پایانی اجرا، پیرمردی را می‌بینیم که به صحنه وارد می‌شود و به اتاق می‌نگرد. او که همان والو است، وارد قفس عظیم پرند شده و همچون دوران کودکی سازدهنی می‌زند؛ درحالی که دیگر اشیای اتاق به نظر او بزرگ و ترسناک نیستند.

را به همراه تمامی احساسات و تفکرات به نمایش می‌گذارد؛ پرژی زون، کارگردان نمایش، تلاش کرده است که در بیان داستان از منظر بزرگسالی فاصله گرفته و همه چیز را با دیدی کودکانه به مخاطب عرضه کند. از همین رو، نمایش در بیان تئاتری خود رویاگونه و افسانه‌ای جلوه‌گر می‌شود و معانی و حتی ابعاد بسیاری از اشیا به گونه‌ای شکل می‌گیرد که گویی مخاطب نیز با نگاه دوران کودکی خود آن‌ها را می‌بیند و حس می‌کند. این درحالی است که کودک در سیر اجرای نمایش، هرگاه که به صحنه وارد می‌شود بزرگ‌تر شده و در پایان نمایش به پیرمردی

داستان نمایش «عطر زمان» در ۱۶ بخش روایت می‌شود که هر بخش نام ویژه خود را از بخشی از داستان که قرار است به نمایش درآید، وام گرفته است. بخش‌های این نمایش عبارت‌اند از: کابوس‌های پرند، چوب لباسی ترسناک، والو ابله، بازی‌های کودکانه، اعتراف، جهنم مدرسه، خداحافظی، والو ابله، جنگ، و دوباره والو ابله، بازگشت زنان از سر کار، ترحم بر ما، پدر، خودرو، و دوباره والو ابله، و در پایان سفر یک چوب لباسی به ناکجا آباد. نمایش «عطر زمان» در این چرخه ۱۶ قسمتی، حکایت زندگی یک کودک به نام «والو»

فضایی نوستالژیک، همراه

با موسیقی کلاسیک

«عطر زمان» نمایشی است از گروه لهستانی «کی تی او» به کارگردانی پرژی زون. این اجرا بنا به باور برخی منتقدان، اجرایی نوستالژیک است که با قطعاتی از موسیقی کلاسیک چایکوفسکی و به همراه حرکاتی سریع و تند در دایره‌ای به قطر ۴۰ متر، داستان خود را بازگو می‌کند؛ داستانی که گویی از میان یک آلبوم خانوادگی روایت می‌شود.

این نمایش که در تمامی اجراهای خود با موفقیت بسیار رویه‌رو شده است، مخاطب را به دوران کودکی، دوران رؤیاهای ترس‌ها و تصورات که گاه شکلی واقعی به خود می‌گرفتند، باز می‌گرداند البته در این سفر به گذشته، به مخاطب احساس قدیمی بودن دست نمی‌دهد و گویی تمامی آن وقایع در حال حاضر رخ می‌دهند.

هرچند برخی منتقدان بر این باورند که حال و هوای نمایش «عطر زمان» بسیار به آنچه که در شهر دوران کودکی کارگردان رخ داده، شبیه است، ولی داستان به گونه‌ای روایت می‌شود که شکلی جهانی به خود گرفته و برای مخاطبان غیرلهستانی و ناآشنا با فرهنگ این کشور اروپای شرقی نیز قابل درک و فهم است.

گروه تئاتری «کی تی او»

و رپرتوارهای نمایشی خود را از گروه‌های سنتی دوره‌گرد در دوران قرون وسطی استنتاج کرده است. بنابراین، با توجه به تمامی این نکات، اجراهای تئاتری این گروه لهستانی تاکنون توانسته است توجه تماشاگران از هر سطح اجتماعی و سنی را به خود معطوف سازد.

چه در شهرهای بزرگ و چه در شهرهای کوچک و کم‌جمعیت‌الگوهای ثابت نمایشی و شخصیت‌های پرهیجان اجراهای گروه «کی تی او» توانسته است تمامی موانع ارتباطی میان هنرمندان روی صحنه و مخاطبان را برطرف کرده و ارتباط دوسویه خوبی با تماشاگران برقرار کند.

گروه تئاتری «کی تی او» به دست تعدادی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه «یاگیلونیان» در لهستان بنیان گذاشته شده و از سال ۱۹۸۵ تاکنون، تئاترهای خیابانی و صحنه‌ای بسیاری را اجرا کرده است. تجربه نمایش‌های صحنه‌ای کلاسیک و داشتن تخصص در اجرای نمایش خیابانی موجب شده است تا گروه «کی تی او» به زبان ویژه نمایشی متعلق به خود دست یابد؛ به این مفهوم که معانی نمایشی از طریق بدن بازیگران، آوا و صدا، حرکت به همراه موسیقی و نیز تعدادی از کلمات بیان می‌شوند. با این وجود، «کی تی او» روش اجرای تئاتری



نمایش در بیان تئاتری خود رویاگونه جلوه‌گر می‌شود و معانی به گونه‌ای شکل می‌گیرد که گویی مخاطب نیز با نگاه دوران کودکی خود آنها را می‌بیند

«تقریباً هیچ» به کارگردانی لوئیز آندره چروبینی از برزیل

روایت عروسک کاغذی از جهان سوم



تلفیقی از انیمیشن و تئاتر

نمایش «تقریباً هیچ» اثری از کارگردان برزیلی لوئیز آندره، برداشتی تئاتری از «دنیای زیر زمینی» است.

این نمایش که درباره جهان سوم است، تلفیقی است از انیمیشن‌های سه‌بعدی، تئاتر و حرکات موزون که به مناسبت پانزدهمین سال تأسیس گروه تئاتری «سوبرونتو» تولید و اجرا شد.

این نمایش که جوایز بسیاری را از آن خود کرده، تاکنون در اجراهای مختلفش مورد استقبال تمامی گروه‌های سنی، به‌ویژه بزرگسالان قرار گرفته است.

گروه تئاتری «سوبرونتو» با هدف خلق آثار تئاتری به صورت انیمیشن که تاکنون سابقه نداشته است و با بهره‌گیری از فن‌آوری‌های خلاقانه و کاربرد زبان‌های مختلف نمایشی تأسیس شد. از همین رو، توانمندترین هنرمندان دیگر عرصه‌های هنری همچون تئاتر، موسیقی، حرکات موزون و هنرهای تجسمی را به خدمت گرفته است.

لوئیز آندره چروبینی کارگردان نمایش که به همراه ساندرار وارگاس و میگوئل ولینهو گروه تئاتری «سوبرونتو» را راه‌اندازی کرده است، درباره «تقریباً هیچ» می‌گوید: «این نمایش یک آزمون تئاتری است که به سادگی تولید نشده و از تکنیک‌های مختلفی بهره گرفته است.»

نمایش «تقریباً هیچ» از یک تکه کاغذ روزنامه برای ساخت عروسک سود می‌برد و سپس آن را وادار می‌کند تا به حرکت درآید. عروسک معمولاً درباره موضوعاتی که با جهان سوم در ارتباط هستند با لحنی شاعرانه سخن می‌گوید.

این نمایش که از گیتارنوازی و آواز به همراه گروهی از نوازندگان کلاسیک نیز بهره برده است، از طریق دو طرح داستانی، دیدگاه‌هایی را درباره جهان سوم به مخاطبان می‌نمایاند.

**نمایش
«تقریباً هیچ»
از یک تکه
کاغذ روزنامه
برای ساخت
عروسک سود
می‌برد. این
عروسک درباره
موضوعاتی که
با جهان سوم در
ارتباط هستند،
با لحنی
شاعرانه سخن
می‌گوید**

گروه نمایشی «سوبرونتو»

داشته است. گروه همچنین در زمینه آموزش نمایش‌های عروسکی فعال بوده و نمایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی بسیاری را برگزار کرده است.

این گروه از سال ۱۹۸۶ تاکنون، تمامی آثار خود را بر تولید اجرای تئاتر با تلفیقی از نمایش و پویانمایی متمرکز کرده و در جشنواره‌های مختلف حضوری فعال و درخشان

«سوبرونتو» یکی از بزرگ‌ترین گروه‌هایی است که در آمریکای لاتین در زمینه مطالعات پویانمایی به طور منطقه‌ای و بین‌المللی فعالیت دارد.

درباره کارگردان

نمایش‌هایی چون «افسانه‌ای از هوفمن»، «لحظات موتزارت»، «بکت» و «فرشته و شاهزادگان» را به صحنه برده است. کارگردان «تقریباً هیچ» مدیر نخستین جشنواره تئاتری ریودوژانیرو که در سال ۱۹۹۷ برپا شد و جشنواره‌هایی همچون نمایش‌های عروسکی برزیل و ساوپائولو بوده است.

وی همچنین مسئولیت تئاتر عروسکی و انیمیشن و نمایش‌های متحرک شهرداری ریودوژانیرو و تئاتر عروسکی کارلوس ورنک بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ را نیز

کارگردان «تقریباً هیچ» و یکی از مؤسسان گروه تئاتری «سوبرونتو»، لوئیز آندره چروبینی مدرک خود را در رشته کارگردانی تئاتر از دانشگاه ریودوژانیرو و مدرک علوم ارتباطات را از دانشگاه فدرال برزیل گرفت. او به همراه گروه تئاتری خود تاکنون در کشورهای مختلفی چون ایرلند، اسکاتلند، اسپانیا، شیلی، آرژانتین و اکثر کشورهای منطقه آمریکای لاتین حضور داشته و مورد استقبال فراوان قرار گرفته است. لوئیز آندره تقریباً هدایت بیشتر آثار گروه را برعهده داشته و

ابراهیم پشت کوهی، نویسنده و کارگردان «تنها سگ اولی می داند چرا پارس می کند مکبث»

زار مکبث، مکبث زار

ابراهیم پشت کوهی
از آن دست کارگردانان
باسابقه خطه جنوب
ایران است که در این
دوره از جشنواره، متأثر
از شاهکار شکسپیر و
آیین‌های شرقی، اثری
تلفیقی را به صحنه
آورده است. او در این
نمایش آیین‌های زار،
کاتاکالی، کابوکی و ...
را به خدمت گرفته و
با فرآیندی تصویری
تلاش در ایجاد
هارمونی میان یک
متن جهانی و آیین‌های
باستانی و کهن داشته
است. نمایش
پشت کوهی در دو بخش
تجربه‌های نو و مسابقه
بین‌الملل حضور دارد.



نمایش شما چه المان‌هایی از اثر شکسپیر را در خود دارد و اساساً می‌توان بر آن نام اقتباس را گذاشت؟
- من ایده‌ای داشتم که سال‌ها به آن فکر می‌کردم. حضور جادوگران در نمایش مکبث. این حضور جادویی شباهت زیادی با آیین‌های سنتی جنوب از جمله زار دارد. این ارتباط خیلی نزدیک است. یعنی اتفاقی که در مکبث می‌افتد، با قدرت مافوق بشری و جادویی زار به نمایش گذاشته می‌شود. در واقع، مکبث ما در بستر آیین زار شکل می‌گیرد. می‌دانید که زار پر از رمز و راز و جادو است. مکبث در سودای تسخیر بادهای زار، دانکن را به قتل می‌رساند. دانکن این‌جا «بابا زار بزرگ» است. مکبث یکی از اهل هواس و دانکن او را به عنوان بابای هنگام و هرمز انتخاب می‌کند. اما وسوسه بابای تمام زارها بودن مکبث را رها نمی‌کند و به همین دلیل دست به قتل بابای زار بزرگ می‌زند. لیدی مکبث هم در کنار مکبث در این قتل مشارکت دارد و پس از این کار، به مامای زار بودن می‌رسد. تفاوت نمایش ما با مکبث در این است که او توسط هیچ کس کشته نمی‌شود. در واقع مکبث به دست خودش می‌میرد و خود زار است که او را نابود می‌کند.
پس اجرا کاملاً مبتنی بر اجرای آیین زار است؟
بیشتر اوقات، استفاده‌ای که از نمایش زار شده شکلی کاملاً توریستی و موزه‌ای داشته است. فضای نمایش را به سمتی

فضای نمایش را به سمتی بردیم که در آن از شیوه‌های نمایش شرقی استفاده شود. برای مثال، از کابوکی بهره بردیم که در آن از شیوه‌های نمایش شرقی استفاده شود. برای مثال، از کابوکی بهره بردیم

بردیم که در آن از شیوه‌های نمایشی شرقی استفاده شود. برای مثال، از کاتاکالی، تئاتر نو و کابوکی بهره بردیم و در عین حال، شما آیین زار را هم در کنار آنها می‌بینید. همچنین از نگاه موزه‌ای به این آیین‌ها بهره‌بردیم و تماشاگر در اینجا یک نگاه کاربردی را می‌بیند. زار در نمایش ما بستری است که جنایت مکبث و طی کردن مسیر سریع و ناجوانمردانه‌اش به سوی قدرت را نشان می‌دهد.
طراحی صحنه شما در راستای همین آیین بود. آیا از عناصر آیین‌های شرقی هم در آن می‌توان سراغ گرفت؟
در این نمایش نشانه‌های زیادی وجود دارد. ما در جنوب زیر پای‌هایی داریم که از برگ نخل ساخته می‌شود و به «بلی» موسوم است. تمام صحنه ما مسخر این زیرپایی است که طراحی و کار کرده‌ای مختلفی دارند. گاهی کلاه می‌شوند، گاهی چشمه و ... به علاوه، پارچه‌های قرمز هم در طول نمایش بخشی از عناصر بصری صحنه است.

ترکیب آیین‌های شرقی با عناصر ترمین در نگاه اول ناهمگون به نظر می‌رسد، هم‌نشینی این‌ها در کنار هم در نمایش شما چگونه ممکن شده است؟
من در کارهای پیشینم هم تلفیق سبک‌های نمایشی را تجربه کرده‌ام و با این هم‌نشینی بیگانه نیستم. استفاده از آیین‌ها در نمایش ما کاربردی است و تمامی عناصر در یک هارمونی به اجماع می‌رسند. میلان کوندرا در «هنر زمان» می‌گوید که هنر نباید مثل یک مسابقه دوچرخه سواری باشد، بلکه باید مانند یک

حضور جادوگران در نمایش مکبث با حضور جادو در مراسم و آیین زار در جنوب مشابیهت زیادی دارد

سفره رنگارنگ باشد تا مخاطب از دیدن و چشیدن غذاهایش لذت ببرد. من به یک هارمونی جمعی اعتقاد دارم.

اجرای دقیق و متمرکز این آیین‌ها مستلزم تمرکز و قوای بدنی بالای بازیگران است بازیگران در این فرآیند چگونه در شکل‌بخشی به حرکات سهیم بودند؟

۱۲ سال از شکل‌گیری گروه‌همان می‌گذرد و ما در این مدت در راستای ایده‌های اجرایی، شیوه‌های مختلفی را تمرین کرده‌ایم. تمرین‌های یوجینو باربا در این گروه معمول است و کار با ماسک هم از آموزه‌های ما است. بنابراین تسلط بازیگران و شناخت کامل آنها نسبت به آیین‌های مورد استفاده از عناصر اصلی این نمایش است. یک بازیگر بانوی ژاپنی، هیچ‌گاه بادبزن خود را از صورتش دور نمی‌کند این اتفاق در نمایش ما درباره لیدی مکبث می‌افتد. البته بادبزن مربوط به خطه جنوب است، اما رفتار، همان رفتار است. شما در نمایش از این مایه‌ها بسیار می‌توانید بینید اگر مخاطب با شناختی که دارد آن‌ها را دریافت کند، بسیار خوب است؛ لاقطل می‌تواند از زیبایی‌شناسی موجود لذت ببرد. بیشتر بازیگران ما ووشو کار کرده و دارای یک آمادگی ضمنی‌اند.

نمایش «تنها سگ اولی می‌داند چرا پارس می‌کند مکبث» چه چیز را در این تلفیق دنبال می‌کند؟

در این نمایش، تلاش کرده‌ایم یک اثر غربی و جهانی را به شیوه‌ای اجرا کنیم که شرق را با تمام شیوه‌های نمایشی‌اش به غرب نزدیک کند. و در یک کلام، نمایش ما اتصال میان فرهنگ‌هاست.



اصغر خلیلی، نویسنده و کارگردان نمایش «نظمیه زنان»

ترکیبی از سیاست، دین و هنر

اصغر خلیلی با نمایش درباره کشف حجاب در عصر رضاخان در جشنواره حضور دارد. مسائل پیش آمده میان رئیس شهربانی مشهد با خانواده‌اش که منجر به وقایع خونین مسجد گوهرشاد می‌شود، موضوع نمایش «نظمیه زنان» تازه‌ترین اثر خلیلی است. او که برای هشتمین بار پیاپی در جشنواره تئاتر فجر و البته این بار در بخش مهمان حضور یافته است، در مناسب بودن هنر تئاتر به عنوان بستری برای ترویج فرهنگ ایرانی هیچ تردیدی به خود راه نمی‌دهد و آن را ترکیبی از معماری، ادبیات، نقاشی و موسیقی می‌داند. وی مخاطب شناسی را نیاز امروز تئاتر کشورمان عنوان می‌کند و معتقد است برای تأثیرگذاری فرهنگی بیشتر، شناخت مخاطب شرط اول است.



ولی در این نمایش صلاح دیدم که به این صورت کار شود. این نمایش در جشنواره رضوی شرکت داده شده است. آیا این اثر نمایشی را به قصد تولید یک اثر موضوعی کارگردانی کردید؟

ایده این کار را پیش از این که جشنواره رضوی برگزار شود پیاده کرده بودیم، بدون آن که بدانیم قرار است روزی در آن جشنواره به صحنه برود. به بیان دیگر، چینش این کار برای اجرای عموم بسته شده بود. این را هم باید بیفزایم که نه این نمایش و نه هیچ کدام از نمایش‌هایم موضوعی نیستند. حتی در نمایش «خرمشهر» نیز به شکل مطلق به موضوع دفاع مقدس پرداخته نشده است. بنابراین، همواره در نمایش‌هایم کوشیده‌ام مردم‌شناسی را مطرح کنم. با توجه به این که آثار شما در راستای موضوعات ایرانی و اسلامی طراحی و اجرا می‌شوند، نظرتان درباره جایگاه تئاتر در ترویج فرهنگ چیست؟

کاملاً معتقد به این مهم هستم و در اجراهای متعددی که در خارج از کشور داشتیم، سعی کردم به نوعی فرهنگ ایرانی را ترویج کنم. به عنوان نمونه، نمایشی در قالب یکی از فرهنگ‌های مرسوم ایرانی را در آلمان به روی صحنه بردم که خیلی خوب و مثبت جواب داد و مورد پسند تماشاگران قرار گرفت. به اعتقاد من، تئاتر بستر مناسبی برای ترویج مسائل فرهنگی کشورمان است زیرا ترکیبی است از معماری، ادبیات، نقاشی و موسیقی که تأثیرگذاری آن را دوچندان می‌کند.

چطور می‌توانیم این تأثیرگذاری را تقویت کنیم؟

مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کاری که می‌توان در این زمینه انجام داد جذب مخاطبان علاقه‌مند به سالن‌های تئاتر و تشویق مردم به دیدن این نمایشنامه‌ها توسط رسانه‌ها است. زیرا خاصیت رسانه این است که روی هر حرفه، صنعت و یا هنری که دست بگذارد، می‌تواند آن را متحول کند. برای مثال اگر در ۱۵ سال گذشته، جایگاه فوتبال در کشورمان را بررسی کنید، می‌بینید که رسانه در معرفی آن چه نقش مهم و اساسی داشته است.

خلق آثار خوب با همراهی و کمک رسانه می‌تواند به تقویت هنر تئاتر و شناخت و معرفی آن به مردم کمک کند.

دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، اما در نهایت همه چیز به خروجی دیدگاه کارگردان باز می‌گردد. به هر حال، من نمایش‌هایی هم داشته‌ام که نویسنده و یا طراح صحنه آن‌ها اشخاص دیگری بوده‌اند؛ اما در آن‌ها نیز باز در نهایت دیدگاه کارگردان لحاظ شده است. اگر چه وجود نگاه‌های گوناگون و ترکیب آن‌ها با یکدیگر، می‌تواند زیبایی شناسی جدید و تأثیرگذاری را سبب شود،

برای تقویت حضور مخاطب و تأثیرگذاری فرهنگی بیشتر یک اثر نمایشی، شناخت مخاطب شرط اول است و باید آن را بیش از پیش تقویت کنیم

نمایش استفاده از موسیقی زنده واقعاً برایمان مقدور نبود، هم از لحاظ نیروی انسانی و هم برای این که در این نمایش از موسیقی ضبط شده آن چه را می‌خواستیم کسب کردیم. به همین دلیل، دیگر نیازی نبود گروه را در تنگنا قرار دهیم. البته باید بگویم که آقای ذهنی از بار احساسی، هنری و فنی کار هیچ کم نگذاشته است.

شما در آثار قبلی‌تان سابقه استفاده از موسیقی زنده را داشته‌اید، ولی در این نمایش از موسیقی ضبط شده استفاده کرده‌اید، آیا موسیقی زنده به تناسب عناصر نمایش‌تان کمک بیشتری نمی‌کرد؟ اجازه بدهید پیش از پاسخ دادن به سئوالتان بگویم که آقای سعید ذهنی برای این نمایش موسیقی فوق‌العاده‌ای را ساخت که با توجه به بار دراماتیک و موضوعات متنوع آن از آغاز تا انتها بسیار خوب و عالی عمل کرد و به نوعی به این نمایش روح بخشید. به جرات می‌توانم بگویم موسیقی، روح «نظمیه زنان» بود که به تلفیق دو عنصر یاد شده کمک بسیار کرد. اما در پاسخ باید بگویم که تجربه می‌گوید موسیقی زنده در تئاتر خیلی بهتر است و تأثیرگذاری بیشتری بر مخاطب دارد. همچنین صد البته به نظر می‌رسد در استفاده از موسیقی زنده، سازها به هر صورت صدای واقعی‌تری دارند و به همین علت نوای موسیقی طبیعی‌تر به گوش مخاطب می‌نشیند. با این همه، در این

جای نمایش، نور هم متناسب با داستان و صحنه وجود داشته باشد. با تناسب این سه عنصر، ارتباط بصری خوبی با مخاطب برقرار می‌شود که امیدوارم در طول نمایش به این مهم دست یافته باشم.

در بازی بازیگران در عین حاکمیت رئالیسم، به نظر می‌آید دنبال بازی متفاوتی بودید. در این باره توضیح دهید.

در بازی بازیگران این اثر نمی‌توانم بگویم رئالیسم حاکم بود یا نه. اما به هر حال دنبال سبک و سیاق خاصی هم در بازی بازیگران نبوده‌ام که بگویم بچه‌ها بازی‌شان بدین سمت برود یا این‌گونه اجرا کنید و از این قبیل صحبت‌ها. البته یک نوع بازی از آنان می‌خواستیم که مکمل همان طراحی صحنه و نور بود تا به لحاظ اجرایی نیز این تناسب برقرار شود.

در کنار کارگردانی، نویسندگی و طراحی صحنه را خود انجام داده‌اید، این کار را بهتر کرده یا که اگر سه‌اندیشه متفاوت در این حوزه وجود داشت، نمایش به شکل بهتری پیش می‌رفت؟ در مورد این پرسش شما

چه جذابیت‌هایی سبب شد موضوع کشف حجاب در عصر رضاخان را دستمایه اثر نمایشی خود قرار دهید؟

مهم‌ترین ویژگی این داستان ترکیب سیاست، دین و هنر در قسمتی از تاریخ جامعه ما، به ویژه در حادثه مسجد گوهرشاد است. از این دو ترکیب این سه عنصر برای خلق یک اثر نمایشی به نظرم جذاب آمد. در این نمایش هم مانند نمایش قبلی خود سعی داشتید با طراحی ساده صحنه، پل ارتباطی میان مخاطب و داستان برقرار کنید؟

بله. این نوع نگاه به طراحی صحنه، ادامه و تکمیل شده نگاه من نسبت به نمایش قبلی‌ام یعنی «خرمشهر» است. سعی دارم همین روند را دنبال کنم، به گونه‌ای که بدون استفاده از فلاش‌بک و فناوری‌های مدرن، کارم را صورت دهم. بنابراین، بیشتر این هدف را دنبال می‌کنم که خیلی رو و ساده، توالی چند اتفاقی و رویداد را در کنار یکدیگر به نمایش بگذارم؛ آن‌چنان که تماشاگر بتواند در آن واحد، چهار لحظه را با هم به طور موازی دنبال کند. سعی کرده‌ام این نمایش برای مخاطب بسیار قابل لمس باشد.

طبیعی است که کوشیدیم طراحی نور را نیز با نوع طراحی صحنه همراه کنیم تا در جای



شهرام گیل آبادی، کارگردان نمایش «آواز دورترین کرانه مه‌آلود زمین»:

اجرای ادیب با یک درامات



ادیب شهریار
موضوع نمایش
«آواز دورترین کرانه
مه‌آلود زمین» اثر
شهرام گیل آبادی
است. کارگردان
این نمایش، در
عین حفظ فضای
کلاسیک، بر آن بوده
تا خردگرایانه به
سمت ادیب حرکت
کند و آن را با یک
دراماتورژی متفاوت
روی صحنه ببرد.
گیل آبادی در عرصه
تئاتر تاکنون آثار
را در قالب‌های
گوناگونی ارائه
کرده که «بانو»
و «تصویرهای
شکسته» از آن
جمله‌اند. او ادیب را
دارای ویژگی‌های
منحصربه‌فردی
می‌داند که دارای
یک ساختار روایی
محکم است.
وی همچنین
سبک‌شناسی قوی
و تزکیه‌ای که بر اثر
ساخت‌وساز تراژیک
اثر ایجاد می‌شود را
از جمله ویژگی‌های
این داستان
می‌خواند.

که خود این شخصیت در اختیار ما قرار داده بود. اصلاً فضا به نوعی فضای مونولوگی است و نمایش تنها یک بازیگر دارد. از یک زاویه دید، این نمایش تنها دارای یک بازیگر بود؛ در حالی که از زوایای دیگر، بازیگرانی به نمایش اضافه می‌شوند و در خدمت ادیب قرار می‌گیرند. کمی در این باره توضیح می‌دهید؟ در وهله اول، باید بگویم با تحلیل و بازخوانی‌های متعددی که داشتیم، برای نقش ادیب به یک بازیگر زن نیاز داشتیم که در پی آن، به سیما تیرانداز رسیدیم. در ادامه، در عین این‌که فضای مونولوگ بر نمایش حاکم بود، بازیگران متعددی از جمله ژاله علو، میکائیل شهرستانی، قربان نجفی و ... وارد صحنه شدند و بازی کردند. همچنین سعی کردیم ویژگی‌های منحصر به فرد ادیب را نمایان کنیم تا جایی که به خوبی در ذهن تماشاگر بنشیند و فکر او را درگیر کند. به علاوه، در تلاش بودیم تا علاوه بر بالا بردن کشش اثر، با وارد کردن ویژگی‌های متعدد این شخصیت، به یک دراماتورژی متفاوت و سبک تازه‌ای برای

اگر ممکن است درباره روند رسیدن به سبک و سیاق نمایشنامه توضیح دهید.

نمایش ادیب شهریار دارای یک فضای کلاسیک است، نمایش را از جایی که ادیب نابینا شده و با خود در صحرایی در حال خودگویی است، آغاز کردیم. در خود ادیب، ویژگی‌های منحصربه‌فردی مانند ساختار روایی محکم، سبک‌شناسی قوی و موقعیت‌های خاصی وجود دارد که البته باید تزکیه‌ای را که بر اثر ساخت‌وساز تراژیک اثر ایجاد می‌شود نیز به دیگر ویژگی‌هایش افزود. کوشیدیم در این نمایش فضایی را به وجود آوریم که بتواند تم‌های گوناگونی را در خود بگنجانند و از جمله مهم‌ترین تم‌هایی که پس از بازخوانی به آن رسیدیم، حرکت خردگرایانه به سمت ادیب بود. در واقع، محور را قهرمان داستان قرار دادیم، البته با فضایی

با به‌روز کردن
نمایشنامه
متن تا حد
زیادی اجازه
طراحی مدرن
صحنه را به
ما داد. از
این‌رو طراحی
صحنه، همپای
بازیگر متحول
می‌شود



در حکایت آن جوان تئاتری که عاشق شد
در حکایت آن جوان تئاتری که چشمه خلایقش هرگز نایستادی و
بر صحنه‌ها خوش درخشیدی و به ناگه عاشق شدی و در اندک مدتی
عیال اختیار کردی و الخ ...

آن تئاتری در هنر مغرور بود صحنه‌هایش آب و تاب و رنگ داشت هر که او را عیب‌کردی در هنر قد دیلاق و سر پرشور داشت سن او از سی فزون‌تر می‌نمود گرچه او در کار خود پیروز بود فارغ از حیث تأهل، شاد بود داشت اجراهای عالی در «روهر» با جناب شخصی «چولی» دوست بود در آوانگاردیسم عالمگیر بود الغرض، روزی به روی صحنه بود گرچه او آنجا نظر را پیش کرد عشق دختر کرد غارت جان او دوستان این هنرمند عزیز پند دادندش بسی سودی نبود آن یکی گفتش که ای «بیسن» صفت گفت کو ابروی آن چشم نگار آن دگر گفتش «دورنمات» زمان گفت نزد من «برادوی» کوی اوست گر به جنگ آید مرا دیدار او سر بگیرم کار و بار خویش را او شود بازیگر آثار من مرما اینک تمنای وصال آن دگر گفتش که اجرائیت چه شد گفت گر اجرا نباشد، یار هست الغرض، این عشق دامنگیر شد عاقد آمد، خطبه عقدی بخواند مدتی سر کرد با معشوق، کار هفته‌اش چون ماه شد، ماهش چو سال همسرش غر می‌زد از رفتار او او به سالی گشت مفلوک و ذلیل گر کروات و اگر دستار بود بود هی رفتار او در کنترل همسرش در گستاخ او می‌برد دست کسب و کار و خرج و دخل خانه را جمله را تحت اوامر کرده بود الغرض، آن مرد دانای رُموز چون گل میخک به سالی زرد شد بود او را از رفیقان قدیم دست او بگرفت و در پستو کشاند گفت با او چون شدی در عاقبت؟ چشمه خلایق‌ها شد شور‌زار زن گرفتگی کارها ماندت ز دست شیر بودی در درون صحنه‌ها آنچه شیران را کند روبه مزاج

ورزی متفاوت

اجرای این نمایش دست پیدا کنیم. در این نمایش، از طراحی مدرن استفاده کرده‌اید. این متن کلاسیک تا کجا به شما، اجازه این استفاده را می‌داد؟

با به روز کردن داستان و متن نمایش و پردازش آن با نگاهی متفاوت، متن تاحد بسیاری اجازه طراحی مدرن برای صحنه را به ما می‌داد و همان‌طور که مشاهده کردید، طراحی صحنه به‌گونه‌ای است که کاملاً همپای بازیگر تحول می‌شود. نور هم در برجسته‌تر کردن تأثیر نمایش بر تماشاگر نقش بسزایی دارد. ما در این نمایش، جایگاه ویژه‌ای به تماشاگر داده‌ایم تا جایی که در برخی از بخش‌های آن، تماشاگر، مخاطب بازیگر قرار می‌گیرد. در مورد طراحی نور نیز باید اضافه کنم که میزان تأثیرگذاری نور در این نمایش، متأثر از تلفیق بازی بازیگران داستان و طراحی صحنه بوده است. ارتباط برقرار کردن با فضای بصری تماشاگر، از دیگر اهداف ما در اجرای این نمایش بوده است؛ به‌گونه‌ای که بتوانیم به این شکل حس معلق بودن را تا اندازه‌ی زیادی به تماشاگر القا کنیم.

استفاده شما از موسیقی در این نمایش، به‌نوعی طراحی روی صدا بود؛ چرا از این سبک استفاده کردید؟

روی صدا و تصویر طراحی داشتیم و درواقع از صدا، استفاده موسیقایی کردیم. تلاشمان این بود با ریتمی که روی صدا ساختیم، موسیقی لازم را برای اثر به‌وجود آوریم تا در رساندن معنا و مفهوم نمایش به مخاطب کمک کند. درواقع، این صدا و موسیقی، زبان و گفتار نمایش «آواز دورترین کرانه مه‌آلود زمین» هستند. در این نمایش همچنین کوشیدیم با کمک طراحی صحنه، نور و صدا تماشاگر را نیز به‌نوعی فعال کرده، فرآیند تأثیرگذاری اثر را افزایش دهیم.

ایوب آقاخانی، نویسنده این نمایش در عرصه کارگردانی نیز سابقه دارد. آیا ایشان به عنوان مشاور با شما همکاری داشتند؟

تماشاگر در این نمایش جایگاه ویژه‌ای دارد، تا جایی که در برخی از صحنه‌ها به عنوان مخاطب بازیگر قرار می‌گیرد

ایوب این متن را دوهفته‌ای نوشت و در ادامه با توجه به جلسات متعددی که باهم داشتیم، طرح را نهایی کردیم. درواقع، متنی که توسط او نوشته شد، یک مونولوگ بود که روی زبانش خیلی کار شده، در عین حال خوب و مناسب از کار درآمده بود. ایوب سعی کرده بود متن یکدستی را بنویسد که فکر می‌کنم در این مهم بسیار هم موفق بوده است، به‌طوری که ما در این متن بیشتر شاهد درد هستیم تا غم و آه و فغان. او توانست با استفاده از کنش و واکنش‌های مناسب، رابطه حسی خوبی وارد اثر کند که به بلوغ نمایش کمک بسیاری کرده است؛ هرچند من در مقام یک کارگردان، برای به صحنه آوردن این متن تألیف شخصی و متفاوت خود را داشتم.

چگونه به این تألیف متفاوت رسیدید؟

متن یک پایه است برای آغاز کار و کارگردانی. برای رسیدن به یک تألیف جدید، من به‌طور کامل ارتباطم را با نویسنده قطع می‌کنم که اتفاقاً این موجب رسیدن به یک اندیشه جمعی می‌شود؛ بدین معنا که نتیجه سومی هم در اجرا زاده می‌شود. به همین دلیل، طبیعی است که کارگردان به فکر یک تألیف مجدد باشد؛ البته براساس همان پایه و متنی که نویسنده برای او گذاشته است. بنابراین، نمایش در زمان اجرا دستخوش تغییراتی می‌شود. برای این تألیف، از چه

ویژگی‌هایی استفاده کردید؟

رسیدن به یک تألیف متفاوت و استفاده از شیوه‌های اجرایی گوناگون در عین پیوندشان با فضای امروز، از جمله کارهایی بود که ما انجام دادیم. سعی داشتیم با مشغول کردن فضای فکری مخاطب، فراترتری را برای او ایجاد کنیم؛ به‌گونه‌ای فرآیند تأثیرگذاری بر ذهن تماشاگر تا پس از پایان نمایش هم ادامه پیدا کند. امیدوارم در برقراری این ارتباط موفق بوده باشم.

شما در عرصه رادیو هم به عنوان مدیر شبکه، سابقه فعالیت دارید. این دو مقوله یعنی رادیو و تئاتر تا چه اندازه و در چه محورهایی می‌توانند با یکدیگر در تعامل باشند؟

پیشینه اصلی من تئاتر است و از سال ۵۷ فعالیت را در این عرصه آغاز کردم. تاکنون در بیش از ۴۰ اثر به عنوان کارگردان یا نویسنده و یا نقش‌های دیگر حضور فعال داشته‌ام. از سوی دیگر، از سال ۷۰ نیز وارد رادیو شدم. می‌توانم بگویم این دو مقوله را تا حد زیادی می‌شناسم. رادیو می‌تواند فهم متفاوت و تازه‌ای به آدمی و اهالی هنر، به ویژه تئاتر، بدهد. رادیو می‌تواند عامل پیشرو برای ارائه فضاهای جدید و کنش‌های جذاب و مطلوب به کارگردان باشد. به علاوه، این رسانه ابزار خوب و مناسبی برای صداسازی است که سعی کردم سهم من از بیان اندیشه به‌وسیله صدا، دست‌کم بهره‌گیری درست از این مؤلفه باشد.

در نمایش‌های رادیویی، چه مؤلفه‌هایی می‌توانند نمایش را برای شنونده جذاب کنند؟

از نمایش‌های رادیویی آن‌چه از بیرون می‌شنویم تنها موسیقی و صدا است. پس در این زمینه، مؤلفه‌های گوناگونی برای برقراری ارتباط با شنونده داریم که در واقع مهم‌ترینشان همین تلفیق دو عنصر صدا و موسیقی است. بدین معنا که این دو در نمایش‌های رادیویی چنان به شکل عمیقی مکمل یکدیگرند که می‌توانند مخاطب را بسیار تحت‌تأثیر قرار دهند.

خارگ، کهن‌ترین نقطه تئاتر کشور

جهانشیر یاراحمدی

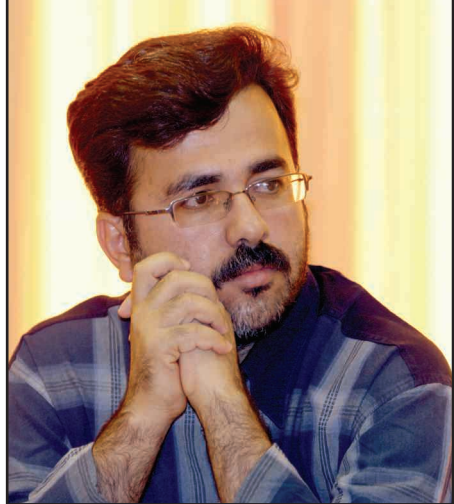
جشنواره تئاتر فجر را «بام تئاتر» ایران می‌دانند؛ جشنواره‌ای که همه گروه‌ها و هنرمندان تئاتر سراسر کشور از نخستین ماه‌های سال در تلاش و تکاپو هستند تا به هر نحوی که شده خود را به یکی از بخش‌های آن برسانند و در این جشن بزرگ شریک و سهیم باشند.

به همین سبب در برنامه اجرایی جشنواره گاه نام شهرها و مناطقی دیده می‌شود که سابقه‌ای در جشنواره فجر نداشته‌اند. برای نمونه، در جشنواره بیست و هشتم در روز پنجم نمایش اجرا شد به نام «گاو میش» از خارگ.

بررسی کارنامه ۲۷ دوره گذشته نشان می‌دهد که خارگ هرگز در جشنواره فجر حضور نداشته و نمایش «گاو میش» نخستین اثری است که از این منطقه در بام تئاتر ایران اجرا می‌شود. اما علی‌رغم حضور کم‌رنگ خارگ در جشنواره فجر، این خطه پیشینه‌ای زرین در تاریخ نمایش ایران دارد؛ پیشینه‌ای که متأسفانه کم‌تر در کتاب‌های پژوهشی به آن اشاره شده است. اجرای نمایش «گاو میش» بهانه‌ای است برای معرفی «خارگ» و رونمایی بخشی از تاریخ نمایش ایران زمین.

خارگ، دُر یتیم خلیج فارس

خارگ جزیره‌ای است مرجانی در دل آب‌های آبی خلیج فارس، جزیره‌ای که جلال آل‌احمد نزدیک به چهار دهه پیش، آن را «دُر یتیم خلیج فارس» خواند؛ جزیره‌ای که از منظر جغرافیایی در محدوده استان بوشهر و یکی از بخش‌های شهرستان بوشهر است. خارگ را گاه «خارک» می‌نویسند اما نام صحیح و امروزی آن «خارگ» است. جزیره خارگ به همان اندازه که در عرصه فرهنگ و هنر گمنام است، در عرصه اقتصاد و خصوصاً صنعت نفت در جهان شهره است. برای عظمت و بزرگی این جزیره در اقتصاد ایران کافی است بدانید بیش از ۹۰ درصد نفت خام کشور از این جزیره به سراسر جهان صادر می‌شود.



بنابراین، این جزیره نقش یگانه و منحصر به فردی در اقتصاد کشور دارد و یکی از نقاط مهم و استراتژیک کشور به شمار می‌رود.

کهن‌ترین سند نمایشی کشور در خارگ

جزیره خارگ پیشینه‌ای پرفراز و نشیب در تاریخ دارد. به روایت تاریخ از قرون گذشته استعمارگران به آن چشم طمع داشته‌اند. این جزیره بارها حضور نیروهای هلندی، انگلیسی، عثمانی و پرتغالی را بر کرده خود حس کرده است. کهن‌ترین اتفاق نمایشی کشور دقیقاً زمانی در جزیره خارگ رخ داده که این جزیره پر بوده است از نیروهای هلندی، عثمانی و انگلیسی. کارستون نیبور سیاح آلمانی که در سال ۱۷۶۵ میلادی شاهد اجرای تزیی‌های در روز عاشورا در این جزیره بوده، شرح مفصل اجرای این مجلس تزییه را در سفرنامه‌اش آورده است.

بررسی‌های دقیق گفته‌های نیبور نشان می‌دهد این مجلس، تزییه ۷۲ تن بوده که هنوز هم در نقاط مختلف کشور اجرا می‌شود.

نکته مهم این است که بیشتر کتاب‌های پژوهشی، سند ویلیام فرانکلین در سال ۱۷۸۷ میلادی را کهن‌ترین سند نمایش در ایران می‌دانند، در حالی که آن‌چه نیبور در جزیره خارگ دیده، بیست و اندی سال قبل از فرانکلین بوده است و به همین سبب، سند نیبور کهن‌ترین سند نمایش در ایران به شمار می‌رود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت قدیمی‌ترین سرزمینی که در ایران اجرای نمایش را به خود دیده، خارگ بود.

About "And Almost Nothing"

Combination of Animation and Theater



The play "And Almost Nothing" – original name is Quase Nada – is about the Third World which is originally adopted from the theme of UNDERWORLD: a poetic montage blowing animation, theater and dance, celebrating 15 years of SOBREVENTO, a theater of animation with live music.

The play has had an amazing spectacle, intended for adult audiences since it was on stage.

The Group is a theater of animation unprecedented, making use of innovative techniques and uniting various languages. For this, SOBREVENTO invited top professionals of the Theater, Music, Dance and Fine Arts to join the project.

"It's a show trial, not easy technically and exploring many different techniques," says Luiz Cherubini the director of "And Almost Nothin'" and founder of SOBREVENTO with Sandra Vargas and Miguel Vellinho.

This play uses from a sheet of newspaper to create dolls, scarves to win that moves, always talking about issues relating to the Third World, invariably with poetic language.

Luiz Andre Cherubini has a degree in Theater Direction at the University of Rio de Janeiro and the Media at the Federal University of Rio de Janeiro.

He is one of the founders of the group SOBREVENTO, Theater Company specializes in the Puppet Theater and Animation, with twelve years of continuous work.

Andre with SOBREVENTO, appeared in dozens of cities in Brazil and participated in major theater festivals in Brazil, and present in several tours in Spain (1997, 1999, 2000, 2001, 2004 and 2007), Ireland (2000 and 2004), Scotland (2000), Chile (1996 and 2002), Argentina (2001 - two tours), Colombia (1998 and 2002), Peru (1988) and Angola (2004).

«Mowlavi Opera» by Behrouz Gharibpour

Miracle of Puppets & Mowlav's Historical Story

The new play of renowned Bahrouz Gharibpour, "Mowlavi Opera," narrates the story of the towering Persian poet.

Gharibpour takes advantage of miraculous puppets to tell the story, which is written and directed by him. Gharibpour's puppet show will continue until March 20.

Have you used sources other than Masnavi (Spiritual Couplets) and Shams Ghazals in writing "Mowlavi Opera"?

I tried to use only Masnavi and Divane Shams. But I had to refer to other books. I looked into works of Naser Khosrow (a noted Persian poet) for pardekhani scene.

I referred to Hafez (a towering Persian poet) elsewhere. My other sources were Mowlavi's literature and thoughts.

How much imaginary is your show?

The historical story of Mowlavi turns into a dramatic work thanks to imagination. No work would have been created if the man didn't have imagination. I am not a historian. I

have created a work for the national opera based on Mowlavi's artistic works, which were created centuries ago.

It seems you have employed traditional Persian music of Ta'zieh in your performance.

Behzad Abdi (composer) understood the play correctly. His music is compatible with the work. I wished to create a work for Iran's National Opera. I predict a bright prospect for Iranian opera.

Are faces and costumes of puppets designed based on historical studies?

There have been historical studies. We tried to observe fantastical aspects for their costume as well. Puppet cannot move easily with heavy or tight costumes. You see a live creature when Shams (Mowlavi's guru) moves with his abaya. Mona Kiani is completely serving the performance as assistant costume designer. She was a puppeteer earlier. Her experience helped "Aran" group to move puppets faster.



“Jesus’ Frog Year” by Yaqoub Seddiq-Jamali

A War Odyssey

Yaqoub Seddiq-Jamali is a master graduate of theater production. He started career in 1989, writing and directing more than 40 plays.

He was among 30 regional artists honored in the 27th Fajr International Theater Festival last year.

“Jesus’ Frog Year” deals with Iran’s sacred defense against Iraq during 1980-88 war. Two parallel stories are narrated, setting in a church in southern city of Abadan (a war-stricken city) and a house in northwestern city of Tabriz. “Azerbaijan, particularly Tabriz, is an important political, cultural and social hub of the country. The region played an important role during the war,” said Seddiq-

Jamali. He added that the play constantly remind audience of Tabriz and those fighting in war.

Main characters are Christian Iranians of Armenian origin. The play tries to draw a picture of their involvement in the war.

A good cultural relation is forged between Islam and Christianity following that a Christian family was forced to emigrate from Abadan to Tabriz.

Seddiq-Jamali termed as a must holding festivals in Iran’s various regions and provinces.

“The only motivation for production of plays in regions is this (Fajr) festival. Regional theater could be strengthened if some facilities were provided for regional artists,” Seddiq-Jamali said.



“Sadra's 100 Paths” by Azim Mousavi

10-Year Hiatus

Seyyed Azim Mousavi has devoted much of his time to studies on Iran rituals and theater in recent years.

He has been in charge of Iran’s file for registering Ta’zieh in United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization as spiritual heritage of the country.

“Sadra’s 100 Paths” is participating in the Panorama of Iran Theater section of the 28th Fajr International Theater Festival. Mousavi has written and directed the play. Majid Derakhshani has composed its music. The play is on stage in Mowlavi Hall.

Mousavi believed that the play narrates a different story of Iran’s Islamic philosopher Molla Sadra. The play participated in the Fajr festival a decade ago. It was warmly welcomed by the

audience. But it was not staged later because it needed huge budget and a big orchestra, explained Mousavi.

He added that the work was not staged later despite cut in its accessories and cost.

Mousavi said that he was forced to further shrink the play by relieving of its costly costume and large staging space.

The work is staged now with the cooperation of a professional group of music, chorus and theater artists. “Sadra’s 100 Paths” or “Molla Sadra” has been one of my concerns in the past. The personality attracted me. I believe his teachings and ideas are still fresh after lapse of 400 of years. It is why the play doesn’t look outdated after 10 year,” the director said.

«Only First Dog Knows Why Barks Macbeth» by Ebrahim Poshtkouhi

Zar & Macbeth, Macbeth & Zar

Ebrahim Poshtkouhi is one of veteran directors from southern Iran. Influenced by Shakespeare’s masterpiece, he blended it with eastern rituals to stage the play. Poshtkouhi used elements of Zar (a ritual in southern Iran to relieve a patient from a bad wind penetrated into his body) and kabuki theater (the highly stylized classical Japanese dance-drama). He has harmonized between an international play and ancient rituals using visual images.

The play is participating in two sections; new experiences and international competition.

“I worked on the



idea for years. The presence of witches in Macbeth resembles traditional rituals such as zar of southern Iran,” Poshtkouhi said. “This relation is so close, meaning the events of Macbeth are displayed besides supernatural incidents of zar.”

In fact, Macbeth is formed on the ground of zar.

Macbeth wishing to rule winds kills Duncan.

Duncan is the zar father (witch) in the play. Macbeth one of wind members and Duncan chooses him as Hengam and Hormuz father.

But the temptation to become father of winds haunts Macbeth. This is the reason behind killing of Duncan by Macbeth.

A Korean Play in Tehran

Me, Theater and an Anybody II

Me, an Anybody II, directed by South Korean artist Young-Hee Kim, is going to be staged in 28th Fajr International Theatre Festival.

Generally, contemporary Korean theatre has three main directions. First there are the government funded theatres such as The National Theatre and Seoul Performing Arts Center. The main repertory consists of Korean traditional theatre and classics such as Shakespeare and Chekhov. The second direction happens at Daehakro, the 'off-Broadway' or 'off-off-Broadway' of Seoul, Korea. Most of the theatre that takes place in Daehakro is independent and experimental. The last but largest direction is that of the popular theatre. Many corporate companies have built big theatre spaces in Seoul that are mainly used to stage big musicals and translations of Broadway hits. But whereas these three categories can give one an idea about contemporary Korean theatre, one also needs to keep in mind that the three often intermingle, so sometimes you find experimental theatre at a corporate theatre and a Broadway musical on Daehakro.

Young-Hee Kim herself said about "Me, an Anybody II" that while "Me, an Anybody I" was a work to identify and discover the image of my dance career that reached the middle phase, this sequel work, which expanded its basic theme to a group performance from a solo performance, is an attempt to show the image of myself striving to be independent in a new world and its identification process.



Beautifully Constructed, Dynamic and Full of Movement

About the Fragrance of Time



The fragrance of time is a open air performance from Poland, directed by Jerzy Zoń.

According to some critics, this street theater play in which we see a boy with all his childish feelings and fears, is a nostalgic performance, featuring the wonderful music by Tchaikovsky, is beautifully constructed, dynamic and full of movement. It all takes place within a circle of 40 meters in diameter

The also believe that it is the familiarity of a small town that the director of the show captured in a way that brings to mind the ambi-ence mastered by Fellini in his movies. The feeling of the nostalgic past is stressed by the overwhelming music by Tchaikovsky The fragrance of time is produced by «Teatr KTO», founded by a group of

graduates from Jagiellonian University in Krakow. Since 1985 the theatre has produced several street performances. Traditional stage experience together with street theatre experiments constituted a specific language of the theatre, where the meaning is expressed by actor's body, voice, movement, but also music and occasionally a few words. KTO Theatre derives its work style and repertoire from the tradition of medieval wandering troupes. Due to all these factors the theatre's performances win a spontaneous and warm applause from all kinds of audiences. Theatrical archetypes and emotional character of the performances break all possible barriers between the group and spectators, both in little towns and large festival halls.

Fataneh Dadkhah Ebrahim Haqiqi

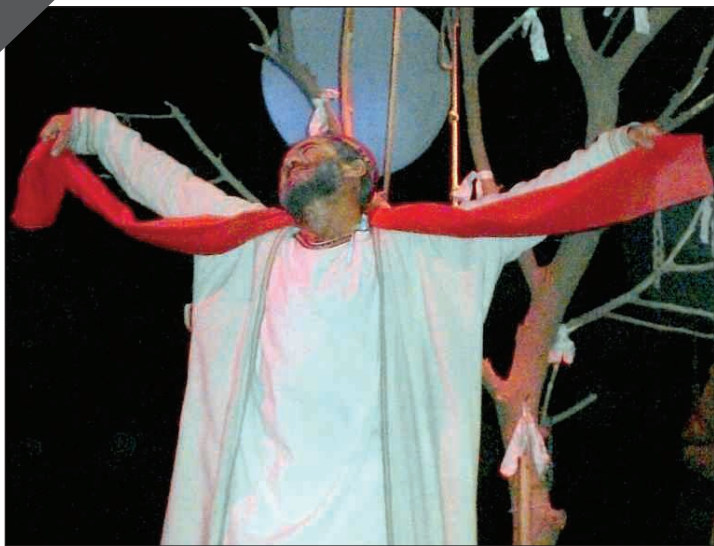
Lady Photographer an Artist With Past & Present Experiences

Seifollah Samadian: Undoubtedly, Fataneh Dadkhah undoubtedly deserves the title of lady photographer of Iran theater. She has been working in the field for tow decades. Dadkhah is not only history but also visual culture of Iran theater. She has been working in a society with more "ears" than "eyes". Dadkhah has made many moments of Iran theater with her camera during 1980-1989. She is also published her first photo books five years after the victory of the Islamic Revolution in 1979. Photography of Iran theater has significantly advanced these days. Spread of digital photography and emerge of efficient young photographers can not be denied. But the most progress of Iran theater is presence of female photographer in the field. Undoubtedly, Dadkhah is pioneer of Iran's female photographer of theater



Hamid Samandarian: I know Ebrahim Haqiqi for years since he designed poster of "Rhinoceros" for me. I knew he would become one of the best graphic designers of the country in the future. Fortunately, I did not make a mistake and he is definitely one of the best graphic designers in Iran. His works are comparable with international graphic designers. He is not just a graphic designer rather an artist whose art is not limited to graphic. Haqiqi has masterfully tried other arts. These arts are visualized in his graphic designs. He has experiences in filmmaking, photography, painting and calligraphy.

"The Day Longer than Night" ECO Chief to Attend Last Eco Performance



"The Day Longer than Night" from Tajikistan will be staged on Friday. Head of the Economic Cooperation Organization (ECO)'s cultural office Hoojjatolah Ayoubi as well as ambassador and staff of Tajikistan embassy in Tehran will attend the last performance of the group in the 28th Fajr International Theater Festival. The play has performances today and tomorrow at 6 p.m. in Sangelaj theater hall. ECO will award honorary diploma and special gifts to the Tajik group. The ceremony was set to be held last night. It was delayed due to travel of ECO officials. A play from Kazakhstan will receive awards. Ayoubi and Kazakh ambassador attended the performance of this play on Tuesday.

Best of Iran Theater to Be Named

The closing ceremony of the Iran sections of the 28th Fajr International Theater Festival is to be held today at 7 p.m. in Iranshahr Hall.

Directed by Mehdi Hajian, the ceremony is to be attended by veteran artists and thespians.

Farhad Aeeish, Hamid Samandarian, Qotbeddin Sadeqi, Pari Saberi and Akbar Zanjanpour will be in attendance along with other artists and festival's mangers.

Hajian told the daily bulletin of festival that the ceremony would be a simple but stately event.

Top competitors of photo, poster, radio and television as well as street plays will be awarded.

Fataneh Dadkhah and Ebrahim Haqiqi veteran photographer and graphic designer will be honored as well.

"The ceremony will begin with recitation of Koran by Mehdi Sayyafzadeh and Alireza Ghaffari will be the presenter of the ceremony," Hajian said.

Some pantomime performances

will be performed by Alireza Nasehi during intervals.

Award giving will be the most important section.

Videos directed by Nima Dehqan and his troupe are to be broadcast.

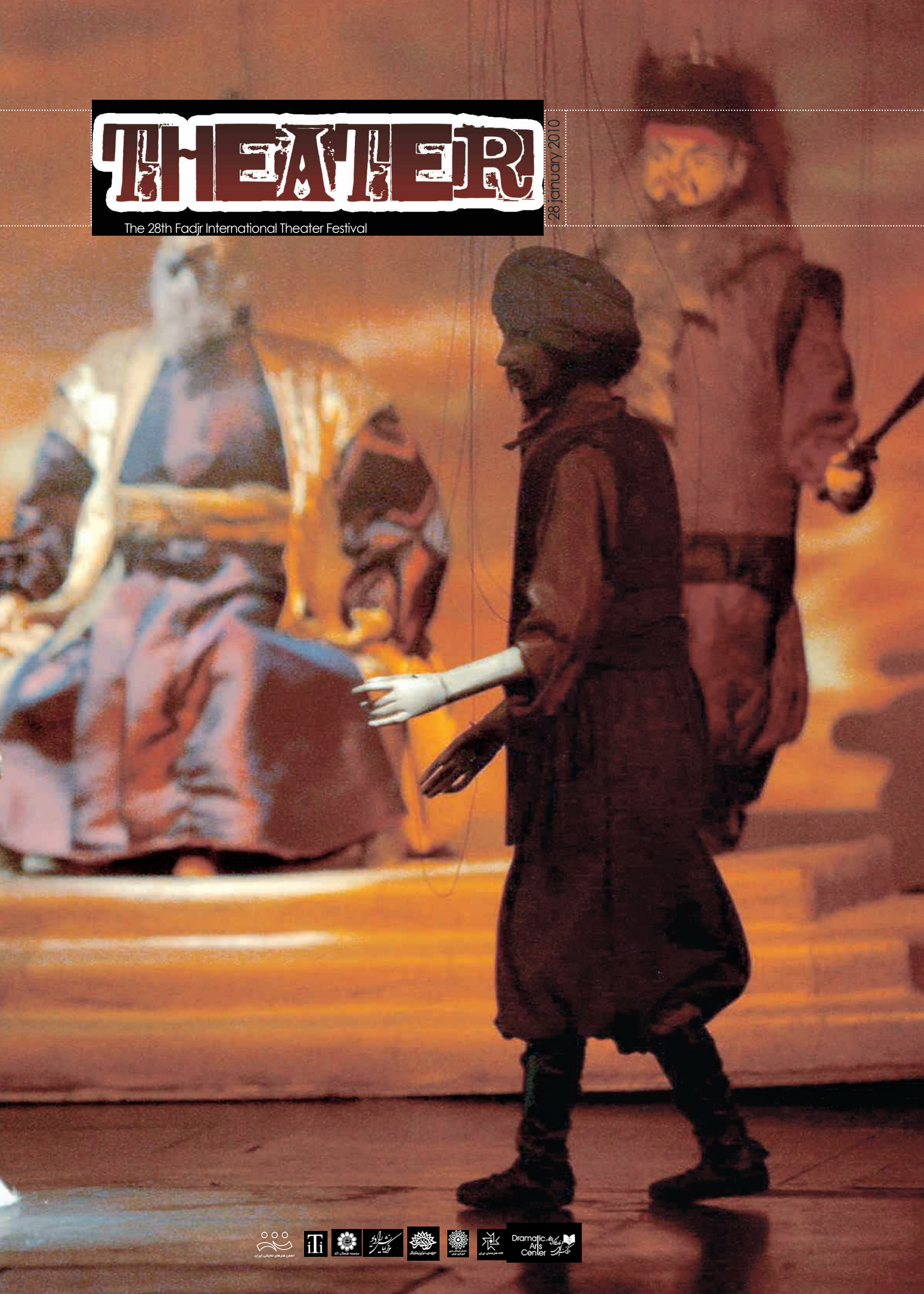
Ahmad Nabifar is the set designer of the 90-minute ceremony.



THEATER

The 28th Fajr International Theater Festival

28 January 2010



Dramatic Arts Center